گلچین ضرب المثل های اسپانیولی و پرتغالی

گزینش و ترجمه: مهدی احمدی



شناسنامهٔ کتاب



نام کتاب: گلچین ضرب‌المثل‌های اسپانیولی و پرتغالی

گزینش و ترجمه: مهدی احمدی (ـ ۱۳۶۰)

این کتاب گلچینی است از بخش‌های اسپانیولی و پرتغالی کتابِ

A Polyglot of Foreign Proverbs, Comprising French, Italian, German, Dutch, Spanish, Portuguese, and Danish, with EnglishTranslations and a General Index
By Henry G. Bohn
London: Henry G. Bohn, 1842.

تاریخ نشر: آبان ۱۴۰۲

sherhayeoonjoori@gmail.com

beytolqazal.blogfa.com

فهرست

مقدمه

این کتاب مجموعه‌ای از ۷۰۰ ضرب‌المثل است: ۴۰۰ اسپانیولی و ۳۰۰ پرتغالی؛ همراه با ترجمه‌های انگلیسی و فارسی آن‌ها. مترجم انگلیسی آن‌ها هنری جی. بون Henry G. Bohn است و من متن انگلیسی را به فارسی برگردانده‌ام. هنگام ترجمه بنا را بر این گذاشتم که در عین رعایت وفاداری، تا آن‌جا که در توانم هست، ترجمهٔ ادبی زیبایی ارائه دهم. همهٔ ضرب‌المثل‌های این کتاب به صورت منظوم ترجمه شده‌اند تا از این نظر به ضرب‌المثل‌های فارسی که بسیاری از آن‌ها یا مصرع و بیتی از یک شعر هستند یا وزن یک مصرع را دارند شبیه شوند و ای بسا که به دل فارسی‌زبانی بنشینند.

پیش از این در زمینهٔ ضرب‌المثل‌های اروپایی چهار کتاب با نام‌های *فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های اسکاتلندی*، *ضرب‌المثل‌های طنز انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های طنز اروپایی*، *گلچین ضرب‌المثل‌های فرانسوی* و *گلچین ضرب‌المثل‌های آلمانی* منتشر کرده‌ام. کتاب حاضر پنجمین کتاب از این مجموعه است.

مهدی احمدی

۲۵ مهر ۱۴۰۲ ـ قم

اسپانیولی

A barba de necio aprenden todos á rapar.
On a fool's beard all learn to shave.

هر کسی با زدن ریش خرفت
شیوهٔ ریش زدن یاد گرفت.

Abrenuncio Satanas, mala capa llevarás.
Renounce the devil, and thou shalt wear a shabby cloak.

حضرت ابلیس را انکار کن
تا ردای ژنده‌ای بر تن کنی.

A cabo de cien años todos seremos calvos.
A hundred years hence we shall all be bald.

صد سال پس از این همهٔ ما کچلیم.

A cada malo su dia malo.
To every evil doer his evil day.

برای هر شروری روز نحسش.

A cada necio agrada su porrada.
Every fool is pleased with his bauble.

هر خلی با خرت و پرت خود خوش است.

A casa de tu hermano no irás cada serano.
Go not every evening to your brother's house.

هر روز عصر خانهٔ داداش خود نرو.

A casa de tu tia, mas no cada dia.
Go to your aunt's house, but not every day.

برو به خانهٔ خاله، ولی نه که هر روز.

A clérigo hecho de fraile, no le fies tu comadre.
Trust not your gossip to a priest who has been a friar.

راز خود را به هیچ روی نگو
به کشیشی که راهبی بود او.

Acuestate sin cena, y amanecerás sin deuda.
Go to bed supperless and you will wake without debt.

بی‌شام بخواب تا بدهکار
فردا نشوی ز خواب بیدار.

A Dios rogando y con el mazo dando.
Praying to God and hitting with the hammer.

دعا کردن به درگاه خداوند
و با چکش زدن تک‌ضربه‌ای چند.

Adó vas, duelo? Adó suelo.
Whither goest thou, sorrow? Whither I am used to go.

به کجا می‌روی ای ماتم و غم؟
به همان‌جای که عادت دارم.

A hija casada salen nos yernos.
When our daughter is married sons-in-law are plenty.

بعد از آنی که دگر دخترمان شوهر کرد
تازه یک‌عالمه داماد به ما روی آورد.

A la muger y á la picaza, lo que dirias en la plaza.
To a woman and a magpie tell what you would speak in the market-place.

تو به یک زن یا به یک پرچانهٔ بسیارگو
آنچه خواهی گفته آید بر سر بازار گو.

A las burlas así ve á ellas que no se salgan de veras.
Jest so that it may not turn to earnest.

شوخی بکن آن‌گونه که جدی نشود.

A las malas lenguas, tixera.
For evil tongues, scissors.

علاج زبان‌های بد قیچی است.

A las veces lleva el hombre á su casa con que llore.
A man may hap to bring home with him what makes him weep.

بسا چیزی به خانه آورد مرد
که اشکش را سپس در خواهد آورد.

Alcança, quien no cansa.
He who does not tire, achieves.

خسته هر کس نشود خواهد برد.

Al desdichado poco le vale ser esforzado.
It little avails the unfortunate to be brave.

در این دنیا کسی بدشانس اگر بود
دل و جرئت ندارد بهر او سود.

Algo va de Pedro á Pedro.
There is some distance between Pedro and Pedro.

بین پدرو و پدرو یک‌نموره فاصله هست.

Al gusto dañado lo dulce le es amargo.
To a depraved taste sweet is bitter.

هر کسی ذائقه‌اش رفته ز دست
طعم شیرین به مذاقش تلخ است.

Al hombre bueno, no le busques abolengo.
Ask not after a good man's pedigree.

از نژاد و نسب مرد نکو هیچ نپرس.

Al hombre osado, la fortuna le da la mano.
To the bold man fortune gives her hand.

بخت دستش را به دست یک دلاور می‌دهد.

Al hombre venturero, la hija le nace primero.
The lucky man has a daughter for his first-born.

هر زمانی شانس مردی بهتر است
اولین فرزند او یک دختر است.

Al loco y al toro, darles corro.
Make way for a madman and a bull.

به دیوانه و گاو نر راه ده.

A los bobos se les aperece la Madre de Dios.
The Mother of God appears to fools.

مادر شخص خدا بر ابلهان ظاهر شود.

A los osados, ayuda la fortuna.
Fortune aids the bold.

اقبال مددکار سلحشوران است.

Al perro flaco, todo es pulgas.
The lean dog is all fleas.

سگ لاغر بدنش غرق کک است.

Al que mal hace, nunca le falta achaque.
The wrong doer is never without a pretext.

هر کسی آدم خطاکاری است
لنگ عذر و بهانه هرگز نیست.

Al que tiene muger hermosa, ó castillo en frontera, ó viña en carrera, nunca le falta guerra.
He who has a handsome wife, a castle on the frontier, or a vineyard on the roadside, is never without war.

کسی که یک زن زیبا، کلاتی در کنار مرز
و یا یک باغ انگوری کنار جاده‌ای دارد
طرف را جنگ و درگیری دمی آسوده نگذارد.

A mal costumbre, quebrarle la pierna.
Break the leg of a bad habit.

پای یک عادت بد را بشکن.

Amigo del buen tiempo mudará con el viento.
A fair-weather friend changes with the wind.

دوست روزهای سرخوش و شاد
راه خود را عوض کند با باد.

Amigo do todos y de ninguno todo es uno.
Everybody's friend and nobody's friend is all one.

دوست هر کسی و هیچ کسی یک چیز است.

Amigo reconciliado, enemigo doblado.
A reconciled friend is a double enemy.

دشمن اندر دشمن است آن دوستی که داشتی
کو پس از قهری که کرده می‌کند باز آشتی.

Amigos y mulas fallescen á as duras.
Friends and mules fail in hard trials.

ما را رفقا و همچنین قاطرها
در گردنه‌های سخت جا بگذارند.

Amistad de yerno, sol de invierno.
A son-in-law's friendship is a winter's sun.

حال و روز رفاقت داماد
مثل خورشید در زمستان است.

Amor de niño, agua en cesto.
A boy's love is water in a sieve.

عشق پسری جوان و کم‌سال
آبی است که هست توی غربال.

Amor de padre, que todo lo otro es aire.
A father's love, for all other is air.

عشق تنها در دل بابای ماست
عشق‌های دیگران باد هواست.

Amores, dolores y dineros no pueden estar secretos.
Love, grief, and money cannot be kept secret.

عشق و اندوه و پول را ای مرد
نتوان مثل راز پنهان کرد.

Amor loco, yo por vos, y vos por otro.
Mad love—I for you, and you for another.

عشق جگرسوز جنون‌آوری
من به تو دارم، تو به آن دیگری.

A mucho hablar, mucho errar.
Much talking, much erring.

حرف بسیار و خطای بسیار.

A muertos y á idos no hay mas amigos.
The dead and the absent have no friends.

مردگان و غایبان را دوست نیست.

A muger mala poco le aprovecha guarda.
There is little use in watching a bad woman.

جنس یک زن خراب باشد اگر
رنج پاییدنش رود به هدر.

Animo vence en guerra, que no arma buena.
It is courage that vanquishes in war, and not good weapons.

نه سلاحی نکو که جرئت دل
فتح را بهر ما کند حاصل.

A otro perro con ese hueso.
Throw that bone to another dog.

آن تکهٔ استخوان خود را
پیش سگ دیگری بینداز.

A palabras locas orejas sordas.
To mad words deaf ears.

برای حرف‌هایی ابلهانه گوش‌هایی کر.

A pobreza no hay vergüenza.
Poverty is no sin.

تنگدستی گناه آدم نیست.

A quien dan, no escoge.
Beggars must not be choosers.

گداها نباید گزینش کنند.

A quien dices tu puridad, á ese das tu libertad.
You surrender your freedom where you deposit your secret.

هرکجا راز خویش را گفتی
گنج آزادی و رهایی را
داده‌ای دست دیگران مفتی.

A quien madruga, Dios le ayuda.
God helps the early riser.

خداوند یار سحرخیزهاست.

A quien no le sobra pan, no crie can.

Who has no bread to spare should not keep a dog.

نباید سگی را نگه دارد آن مرد
که بیش از نیاز خودش نان ندارد.

A quien no tiene nada, nada le espanta.

Who has nothing, fears nothing.

او که دستش خالی است از ترس و وحشت ایمن است.

A quien tiene buena muger, ningun mal le puede venir, que no sea de sufrir.

He who has a good wife can bear any evil.

مرد وقتی زن خوبی دارد
هر بلا را به خوشی تاب آرد.

A quien tiene mala muger, ningun bien le puede venir, que bien se puede decir.

He who has a bad wife can expect no happiness that can be so called.

مرد وقتی صاحب یک همسر تخس و بلاست
انتظار شادمانی داشتن از وی خطاست.

A quien vela, todo se le revela.

To him that watches, everything is revealed.

بهر آن مردی که مشغول تماشا می‌شود
در نهایت خودبه‌خود هر چیزی افشا می‌شود.

Ara por enjuto ó por mojado, no besarás á tu vecino en el rabo.

Plough wet or dry, and you will not have to kiss your neighbour's breech.

خشک و تر، شخم بزن تا که نگردی مجبور
کون همسایهٔ خود را تو ببوسی با زور.

Ares, no ares, renta me pagues.

Plough or not plough, you must pay your rent.

خیش را توی زمینت بنهی یا ننهی
سهم اربابی خود را تو باید بدهی.

A rio revuelto, ganancia de pescadores.

It is good fishing in troubled waters.

توی آن رود که آرام نبود
ماهی خوب توان صید نمود.

Así dijó la zorra á las uvas, no pudiendolas alcazar, que no estarvan maduras.

The grapes are sour, said the fox when he could not reach them.

«انگورها ترش‌اند.»
این گفتهٔ روباه بود
آن‌موقعی که دستش از انگورها کوتاه بود.

Así está el pages entre dos advocats como el pagel entre dos gats.

A peasant between two lawyers is like a fish between two cats.

یک دهاتی به میان دو وکیل
ماهی‌ای بین دو تا گربه بُود.

Asno con oro alcánzalo todo.

The golden ass passes everywhere.

خر زرین ز هرکجا گذرد.

Asno de muchos, lobos le comen.

The ass of many owners is food for wolves.

آن خری که صاحبانش خیلی‌اند
دیر یا زود او غذای گرگ‌هاست.

Asno sea quien á asno vocea.

An ass let him be who brays at an ass.

هرکه در روی الاغی عرعری
می‌کند، او را به حال خود گذار
تا خودش باشد الاغ دیگری.

A todo hay maña, sino á la muerte.

There is a remedy for everything but death.

هرچه جز مرگ چاره‌ای دارد.

A tu criado no le hartes de pan, no pedirá queso.

Do not stuff your servant with bread, and he won't ask for cheese.

هیچ نانی نده دست نوکر
تا پنیر از تو نخواهد دیگر.

Aunque el decidor sea loco, el escuchador sea cuerdo.
Though the speaker be a fool, let the hearer be wise.

گرچه گویندهٔ حرف ابله و جاهل باشد
شنونده بگذارید که عاقل باشد.

Aunque la mona se vista de seda, mona so queda.
A monkey remains a monkey, though dressed in silk.

گر بپوشد جامه‌ای ابریشمین
باز هم بوزینه یک بوزینه است.

Ausencia enemiga de amor; quan lejos de ojo, tan lejos de corazon.
Absence is a foe to love; away from the eyes, away from the heart.

هجران و فراق دشمن عشق شود
از دل برود هر آن که از دیده رود.

Bel hombre no es todo pobre.
A handsome man is not quite poor.

مرد خوش‌تیپی فقیر محض نیست.

Bien ama quien nunca olvida.
He loves well who never forgets.

آن‌کسی عاشق خوبی است که یادش نرود.

Bien perdido y conocido.
A good thing lost is a good thing valued.

چیز خوبی را که از کف می‌دهند
تازه آن را قدر و قیمت می‌نهند.

Bien predica quien bien vive.
He preaches well who lives well.

هر کسی زندگی‌اش هست نکو
بس نکو موعظه‌ای می‌کند او.

Bien vengas, mal, si vienes solo.
Welcome, misfortune, if you come alone.

بدبیاری، قدمت بر سر چشم
هر زمانی تک و تنها آیی.

Buen abogado, mal vecino.
A good lawyer, a bad neighbour.

یک وکیل خوب بد همسایه‌ای است.

Buena es la gallina que otro cria.
Good is the fowl which another rears.

ماکیانی که پرورَد دگری
هست چیز همیشه خوب‌تری.

Buenas palabras y ruines hechos engañan sabios y locos.
Good words and bad deeds deceive both wise and simple.

گفته‌های نیک و کردار بدی همراه آن
عاقلان و ابلهان را می‌فریبد توأمان.

Buen principio, la mitad es hecho.
Well begun is half done.

کار را خوب اگر شروع کنی
گوییا نصف آن تمام شده.

Burla burlando vase el lobo al asno.
All in the way of joke the wolf goes to the ass.

گرگ از سر شوخی طرف خر برود.

Burlaos con el asno, daros ha en la cara con el rabo.
Play with an ass and he will flirt his tail in your face.

با الاغی تو کمی شوخی و بازی کن تا
که بکوبد وسط صورت تو دمّش را.

Cada buhonero alaba sus agujas.
Every pedlar praises his own needles.

این بدیهی است که هر دستفروش
گوید از خوبی سوزن‌هایش.

Cada cuba huele al vino que tiene.
Every cask smells of the wine it contains.

هر خمی بوی شرابی را دهد کاندر وی است.

Cada ollero su olla alaba, y mas si la trae quebrada.
Every potter praises his pot, especially if cracked.

هر کوزه‌گری به کوزه‌اش فخر آرد
مخصوصاً اگر کوزه ترک هم دارد.

Cada uno en su casa, y Dios en la de todos.
Every one in his own house, and God in all men's.

هرکه در خانهٔ خویش است، اما
در سرای همگان هست خدا.

Cada uno es hijo de sus obras.
Every man is the son of his own works.

هر کسی فرزند اعمال خود است.

Cada uno estornuda como Dios le ayuda.
Every one sneezes as God pleases.

هر کس بنا به میل خدا عطسه می‌کند.

Cada uno sabe donde le aprieta el zapato.
Every one knows where his shoe pinches him.

آن‌کسی که کفش را کرده به پاش
خوب داند می‌زند پا را کجاش.

Caro cuesta el arrepentir.
Repentance costs dear.

پشیمانی بهایش بس گران است.

Casarás y amansarás.
Marry and grow tame.

ازدواجی بکن و اهلی شو.

Cierra tu puerta, y harás tu vecina buena.
Shut your door, and you will make your neighbour a good woman.

هر زمانی که در خانهٔ خود را بندی
زن همسایه شود فرد شرافتمندی.

Cobra buena fama, y échate á dormir.
Get a good name, and go to sleep.

نام نیکویی به دست آر و بخواب.

Compuesta no hay muger fea.
No woman is ugly when she is well-dressed.

هیچ زنی زشت نباشد اگر
رخت قشنگی بنماید به بر.

Con lo que Sancho cura, Marta cae mala.
What cures Sancho makes Martha sick.

آنچه درمان درد سانچو بُود
مارتا را مریض خواهد کرد.

Con mal está la casa donde la rueca manda al espada.
It fares ill with the house where the spinning-wheel commands the sword.

چرخ نخریسی به شمشیر امر وقتی می‌کند
بی‌گمان اوضاع خانه می‌شود بسیار بد.

Con una cautela otra se quiebra.
One trick is met by another.

هر فریبی به فریب دگری ختم شود.

Coraçon determinado no sufre ser aconsejado.
A determined heart will not be counselled.

یک قلب مصمم ز کسی پند نگیرد.

Cornudo sois, marido; muger, y quien te lo dijo?
Husband, you are a cuckold; wife, who told you so?

شوهر من، تو یک قرمساقی
زن من، کی به تو چنین گفته؟

Costumbre hace ley.
Custom becomes law.

عاقبت هر رسم قانون می‌شود.

Crea el cuervo, y sacarte ha los ojos.

Foster a raven and it will peck out your eyes.

کلاغی را بپرور تا که چشمت را برون آرد.

Cuidado ageno de pelo cuelga.

Another's care hangs by a hair.

دلسوزی دیگری به مویی بند است.

Da Dios alas á la hormiga para que se pierda mas aina.

God gives wings to the ant that she may perish the sooner.

خدا بال‌هایی به موری دهد
که او زودتر سوی مرگش جهد.

Debajo del buen sayo está el hombre malo.

Under a good cloak may be a bad man.

در پس یک شنل خوب بسا
آدم بی‌شرفی پنهان است.

De gran subida gran caida.

The higher the rise the greater the fall.

هرچه بالاتر روی وقت صعود
یک سقوط ژرف‌تر خواهی نمود.

Del agua mansa me libre Dios, que de la recia me guardaré yo.

From smooth water God preserve me, from rough I will preserve myself.

خدا حفظم کند از آب راکد، چون به آسانی
خودم را حفظ خواهم کرد از آب خروشانی.

De la mala muger te guarda, y de la buena no fies nada.

Beware of a bad woman, and put no trust in a good one.

از زن بد همیشه می‌پرهیز
اعتمادی نکن به خوبش نیز.

De la mano á la boca se pierde la sopa.

Between the hand and the mouth the soup is lost.

در همین راه بین دست و دهان
دیگر از سوپمان نمانده نشان.

Del dicho al hecho hay gran trecho.
Between saying and doing there is a long road.

بین گفتن تا عمل یک جادهٔ طولانی است.

De lo contado come el lobo.
The wolf eats of what is counted.

می‌خورد گرگ ز چیزی که شمارش شده است.

De pequeña centella, gran hoguera.
A little spark kindles a great fire.

اخگری کوچک حریقی می‌شود.

De persona callada arriedra tu morada.
From a silent person remove your dwelling.

خانه‌ات را از بر یک فرد ساکت دور کن.

De puerta cerrada el diablo se torna.
The devil turns away from a closed door.

چون که ابلیس ببیند که دری
روی او بسته شده برگردد.

Desaprovechado como unto de mona.
As useless as monkey's fat.

بی‌فایده مثل چربی بوزینه.

Despues del daño cada uno es sabio.
Every one is wise when the mischief is done.

بعد از این‌که فتنه‌ای برپا شود
هر کسی یک عاقل دانا شود.

Desque nací lloré, y cada dia nace porqué.
When I was born I wept, and every day I know why.

گریه کردم چون به دنیا آمدم عندالورود
حالیا هر روز می‌فهمم دلیل آن چه بود.

De un hombre necio á vezes buen consejo.
A fool sometimes gives good counsel.

گاهگاهی کس‌مشنگی بی‌خرد
پند و اندرز درستی می‌دهد.

De un solo golpe no se derrueca un roble.
An oak is not felled at one stroke.

بلوطی با یکی ضربه نیفتد.

Di á tu amigo tu secreto, y tenerte ha el pie en el pescuezo.
Tell your friend your secret, and he will set his foot on your neck.

دوستت را محرم رازت بکن
تا که پایش را نهد بر گردنت.

Dicen los niños en el solejar lo que oyen á sus padres en el hogar.
What children hear their parents say by the fireside they repeat in the highway.

بچه وقتی که در خیابان است
بر زبانش همان سخن برود
کز پدر مادر خودش آن را
در کنار اجاق می‌شنود.

Dijó la sarten á la caldera, Tirte allá, cul negra.
Said the frying pan to the kettle, Stand off, black bottom.

گفت ماهیتابه کتری را که آه
دور شو از پیش من ای کون‌سیاه.

Dile que es hermosa, y tornarse ha loca.
Tell her she is handsome, and you will turn her head.

تو به خانم بگو که زیبایی
تا که مغزش به‌کل به هم ریزد.

Dime con quien andas, diréte quien eres.
Tell me what company you keep, and I will tell you who you are.

بگو دوست و همدم کیستی
که من هم بگویم که تو چیستی.

Di mentira, y sacarás verdad.
Tell a lie, and you will bring out the truth.

دروغی سر هم بکن تا بدین‌سان
حقیقت به چشم تو گردد نمایان.

Dinero llama dinero.
Money gets money.

پول با خویش پول می‌آرد.

Dios es el que sana, y el médico lleva la plata.
God cures, and the doctor takes the fee.

گرچه بیمارا شفاشون از خداست
حق ویزیتش برای دکتراست.

Dísela tú una vez, que el diablo se la dirá diez.
Tell it her once, and the devil will tell it her ten times.

یک بار به زن بگو که شیطان
ده بار دگر به وی بگوید. (این را که تو زیبایی.)

Do entra beber, sale saber.
When drink enters, wisdom departs.

باده هنگامی که وارد می‌شود
عقل و هوش فرد بیرون می‌رود.

Do falta dicha, por demas es diligencia.
Where luck is wanting, diligence is useless.

شانس وقتی که نباشد، پشتکار
اصلاً و عمراً نمی‌آید به کار.

Do fueres, harás como vieres.
Wherever you are, do as you see done.

آنچه می‌بینی که مردم می‌کنند
هرکجا هستی، تو نیز آن را بکن.

Do fuerza viene, derecho se pierde.
Where force prevails, right perishes.

زور اگر غالب شود، حق مرده است.

Donde hay gana, hay maña.
Where there's a will there's a way.

هر جا که اراده‌ای است، راهی است.

Donde huego se hace, humo sale.
Where there's fire there's smoke.

هرکجا آتشی است، دودی هست.

Donde menos se piensa salta la liebre.
The hare starts from where she is least expected.

از همان‌جا که بدان فکر تو کم‌تر برود
از همان‌جاست که خرگوش یهو در برود.

Donde perdiste la capa, ay la cata.
Where you lost your cloak, seek it.

هرکجایی شنلت گم شده است
در همان نقطه به دنبالش گرد.

Donde una puerta se cierra, otra se abre.
Where one door is shut another opens.

هرکجا بسته می‌شود یک در
می‌شود باز یک در دیگر.

Dos amigos de una bolsa, el uno canta, el otro llora.
When there are two friends to one purse, one sings, the other weeps.

یکی وقتی که باشد کیسهٔ پول دو یار و دوست
یکی آوازخوان این‌سو، یکی با چشم تر آن‌سوست.

Do va mas hondo el rio, hace menos ruido.
Where the river is deepest it makes least noise.

عمق جوی آن‌جا که باشد بیش‌تر
می‌رود آرام و بی‌تشویش‌تر.

Duerme á quien duele, y no duerme quien algo deve.
A sick man sleeps, but not a debtor.

تواند تا بخوابد مرد بیمار
ولی دور است خواب از یک بدهکار.

Echate á enfermar, verás quien te quiere bien, y quien te quiere mal.
Fall sick, and you will see who is your friend and who not.

بیمار بشو که خوب می‌فهمی کیست
کو دوست راستین تو هست و که نیست.

El amor verdadero no sufre cosa encubierta.

True love suffers no concealment.

عشق حقیقی نه نهان‌کردنی است.

El bobo, si es callado, por sesudo es reputado.

A fool, if he holds his tongue, passes for wise.

تا دهان خنگ دارد چفت و بست
خلق پندارند او هم عاقل است.

El buen vino la venta trae consigo.

Good wine sells itself.

شراب خوب خود را می‌فروشد.

El buey sin cencerro piérdese presto.

The ox without a bell is soon lost.

گاو بی‌زنگوله فوری گم شود.

El campo fertil no descansando, torna se esteril.

The fertile field becomes sterile without rest.

یک زمین بارور بی‌آیشی
آخرش خشک و سترون می‌شود.

El consejo de la muger es poco, y quien no le toma es loco.

A woman's counsel is no great thing, but he who does not take it is a fool.

پند یک زن گرچه بس ناقابل است
هر کس آن را نشنود یک جاهل است.

El corazon no es traidor.

The heart is no traitor.

قلب یک آدم خیانتکار نیست.

El corcobado no vee su corcoba, y vee la de su compañon.

The hunchback does not see his own hump, but sees his companion's.

نبیند قوز خود را مرد قوزی
ولی قوز رفیقش را ببیند.

El deseo hace hermoso lo feo.
Desire beautifies what is ugly.

اشتیاق آدمی هر زشت را زیبا کند.

El dia que te casas, ó te matas ó te sanas.
The day you marry 'tis either kill or cure.

تو در آن روز که زن می‌گیری
یا شفا گیری و یا می‌میری.

El hijo sabe que conoce á su padre.
It is a wise son that knows his own father.

بچهٔ عاقلی است او که بداند پدرش کیست.

El hilo por lo mas delgado quiebra.
The thread breaks where it is thinnest.

نخ از نازک‌ترین جا پاره گردد.

El huego y el amor no dicen: Vate á tu lavor.
Fire and love do not say "Go to your work."

آتش و عشق نگویند به تو
در پی کار خودت باش و برو.

El lobo do halla un cordero, busca otro.
Where the wolf gets one lamb it looks for another.

گرگ هر جا بره‌ای را یافته
در پی آن دیگری بشتافته.

El lobo do mane daño no hace.
The wolf commits no mischief at home.

گرگ در خانه شرارت نکند.

El lobo pierde los dientes, mas no los mientes.
The wolf loses his teeth, but not his inclinations.

گرگ دندانش اگر از دست شد
طینتش می‌ماند اندر جای خود.

El malo siempre piensa engaño.
The bad man always suspects knavery.

آدم بد همیشه شک دارد
طرفش نیت کلک دارد.

El mal que de tu boca sale, en tu seno se cae.
The evil which issues from thy mouth falls into thy bosom.

از دهانت چون برآید کینه‌ات
می‌گریزد در میان سینه‌ات.

El mal que no se puede sañar, es locura.
The malady that is incurable is folly.

درد بی‌درمان فقط بی‌عقلی است.

El pie del dueño estierco para la heredad.
The master's foot is manure for the estate.

پای مالک کود ملک او بُود.

El que á su enemigo popa, á sus manos muere.
He who trifles with his enemy dies by his hand.

عدو را سرسری هر کس بگیرد
یقین روزی به دست او بمیرد.

El que ley establece, guardarla debe.
He who makes a law should keep it.

هرکه یک قانون خود او می‌نهد
او خودش باید به آن تن در دهد.

El que no duda, no sabe cosa alguna.
He who doubts nothing knows nothing.

او که شکی نکند جاهل مطلق باشد.

El sol me luzga, que de la luna no he cura.
Let the sun shine on me, for I care not for the moon.

بگذار که خورشید بتابد بر من
با ماه مرا کار نباشد ابداً.

El tramposo presto engaña al codicioso.
The sharper soon cheats the covetous man.

مرد شیاد پدرسوخته‌ای خیلی زود
از سر مرد طمعکار کله را بربود.

El vino anda sin calças.
Wine wears no breeches.

باده شلوار به پایش نکند.

En buen dia buenas obras.
The better day the better deed.

هرچه یک روز نکوتر باشد
کار روزانهٔ آن سر باشد.

En cada tierra su uso.
Every country has its custom.

هر مملکتی رسم خودش را دارد.

En casa del ahorcado no se ha de mentar la soga.
Never speak of a rope in the house of a man who was hanged.

در خانهٔ مردی که به دارش زده‌اند
از بند و طناب هیچ حرفی نزنید.

En casa del gaitero todos son danzantes.
In the bagpiper's house they are all dancers.

در خانهٔ نی‌زن همگی رقاص‌اند.

En casa del herrero cuchillo de palo.
In a smith's house the knife is wooden.

چاقوی سرای یک چلنگر چوبی است.

En casa del moro no hables algarabía.
Do not talk Arabic in the house of a Moor.

داخل خانهٔ یک مرد عرب
به زبان عربی حرف نزن.

En casa de muger rica, ella manda siempre, y él nunca.
In the rich woman's house she always commands; he never.

در سرای یک زن خرمایه‌دار
زن همیشه می‌دهد فرمان، نه مرد.

En el rio do no hay pezes por demas es echar redes.
It is in vain to cast nets in a river where there are no fish.

توی رودی که در آن ماهی نیست
تور انداختن یک آدم
عمل بی‌خود و بی‌فایده‌ای است.

Engáñame en el precio, y no en lo que merco.
Cheat me in the price and not in the goods.

در مورد قیمت تو مرا گول بزن
در مورد اصل جنس اما اصلاً.

Entienda primero, y habla postrero.
Hear first, and speak afterwards.

اولش گوش بکن، بعد از آن
سخنت را تو بیاور به زبان.

En tierra de ciegos el tuerto es rey.
The one-eyed man is a king in the country of the blind.

در مملکت کوران
یک‌چشم بُود سلطان.

En tierra seca el agua salobre es buena.
On dry land even brackish water is good.

توی یک صحرای بی‌آب و علف
آب شوری نیز دلچسب و خوش است.

Esa es buena que está al fuego y no se quema.
She is good who is close to the fire and does not burn.

میان زنان آن زنی خوب باشد
که نزدیک آتش چو باشد نسوزد.

Esa es buena y honrada que es muerta y sepultada.
She is good and honoured who is dead and buried.

زنی خوب و شرافتمند باشد
که مرده‌ست و درون گور خفته.

Ese es mi amigo el que muele en mi molinillo.
He is my friend who grinds at my mill.

غله‌اش را در آسیابم اگر
آسیا می‌کند، رفیق من است.

Fiar de Dios sobre buena prenda.
Trust in God upon good security.

به خداوند توکل بکنید
فقط آن‌وقت که خاطرجمعید.

Fraile que pide por Dios, pide por dos.
The friar who begs for God begs for two.

راهب از بهر خدا چون‌که بگیرد صدقه
از برای دو نفر گرم گدایی باشد.

Frailes sobrand'ojo alerte.
Where friars abound keep your eyes open.

راهبان هر جا تجمع می‌کنند
خوب چشمان خودت را باز کن.

Gana tiene de coles quien besa al hortelano.
She is fond of greens who kisses the gardener.

زنی که باغبانی را ببوسد
یقیناً عشق سبزیجات دارد.

Gloria vana florece, y no grana.
Vainglory blossoms, and bears no fruit.

ستایش از خود و خود را مدام کردن باد
شکوفه‌ای کند و میوه‌ای نخواهد داد.

Goza tú de tu poco, mientras busca mas el loco.

Enjoy your little whilst the fool is seeking for more.

تا پی بیش‌تر است اسکل خر
تو از آن اندک خود لذت بر.

Grano á grano hinche la gallina el papo.

Grain by grain the hen fills her crop.

مرغ خانه دانه دانه، تک به تک
چینه‌دان خویش را پر می‌کند.

Guayas! padre, que otra hija os nasce.

Alas! father, another daughter is born to you.

ای پدر، آه و دریغا! دردا!
باز هم صاحب دختر شده‌ای.

Hablar sin pensar es tirar sin encarar.

Speaking without thinking is shooting without taking aim.

سخن گفتن بدون فکر و تدبیری
بُود پرتاب تیری بی‌هدف‌گیری.

Habló el buey y dijó Mu.

The ox spoke and said "Moo."

گاو نر حرف زد و گفت که «ما».

Harto es necio y loco, quien vacue su cuero por henchir el de otro.

He is a great simpleton who starves himself to feed another.

هست یارو بدون شک یک خر
گر خود او گرسنگی بکشد
تا غذایی دهد به فرد دگر.

Hizonos Dios, y maravillámonos nos.

God made us, and we admire ourselves.

خلقمان کرده‌ست دادار کریم
لیک ما خود را ستایش می‌کنیم.

Hombre apercebido vale por dos.
A man forewarned is as good as two.

هرکه هشدار به او داده شده
مثل این است که همچون دو تن است.

Hombre harto no es comedor.
A man that has had his fill is no eater.

مرد سیری به غذا بی‌میل است.

Hombre que no tiene cabeza no ha menester bonete.
He who has no head wants no hat.

گر بر تن مرد سر نباشد
محتاج کله دگر نباشد.

Humo y gotera, y la muger parlera, echan al hombre de su casa fuera.
Smoke, a dripping roof, and a scolding wife, are enough to drive a man out of his life.

دود و آن سقفی که چکه می‌کند
همچنین یک همسر اخموی گند
هرکدام از این سه تا کافی است تا
مرد را سرگشته و حیران کنند.

Hurtar el puerco, y dar los pies por Dios.
To steal the pig, and give away the pettitoes for God's sake.

دزدیدن خوک و پاچه‌اش را
در راه خدا زکات دادن.

Ir á la guerra ni casar, no se ha de aconsejar.
Never advise a man to go to the wars, or to marry.

تو به یک مرد دو تا توصیه منما ابداً:
به نبردی برود یا که بگیرد یک زن.

Juras del que ama muger, no se han de creer.
The oaths of one who loves a woman are not to be believed.

کسی که دلش بی‌قرار زنی است
قسم‌های او ناپذیرفتنی است.

Justicia, mas no por mi casa.
Justice, but not in my own house.

عدالت، ولیکن نه در خانهٔ من.

La boca y la bolsa, cerrada.
The mouth and the purse, shut.

دهان و کیف پولت بسته باشد.

La buena vida padre y madre olvida.
Prosperity forgets father and mother.

حال و روز تو که بر وفق مراد
شود و زندگی‌ات باشد شاد
پدر و مادر تو رفته ز یاد.

La burla dineros cuesta.
Jesting costs money.

متلک خرج برایت دارد.

La caridad bien ordenada comenza de sí propia.
Charity well regulated begins at home.

عمل خیر اگر درست و بجاست
جای آغاز آن سرای شماست.

La codicia rompe el saco.
Covetousness bursts the bag.

آزمندی کیسه را جر می‌دهد.

La costumbre es otra naturaleza.
Custom is second nature.

رسم و سنت طبیعت ثانی است.

La horca lo suyo lleva.
The gallows takes its own.

چوبهٔ دار سرانجام به سهمش برسد
(= هیچ مجرم نتواند ز مجازات گریخت).

La mala llaga sana, la mala fama mata.
A bad wound may be cured, bad repute kills.

زخم بد شاید شفا یابد، ولی
شهرت بد آدمی را می‌کشد.

La manzana podrida perde a su compaña.
The rotten apple spoils its companion.

سیب گندیده به هم‌صحبت خود گند زند.

La muger del ciego para quien se affeyta?
For whom does the blind man's wife adorn herself?

زن مردی که هست نابینا
بهر کی پس بزک کند خود را؟

La muger hermosa ó loca ó presuntuosa.
A handsome woman is either silly or vain.

یک زن زیباست یا یک خنگ یا یک عن‌دماغ.

La muger y el vidrio siempre estan en peligro.
A woman and a glass are always in danger.

زن و شیشه همیشه در خطرند.

La muger y la tela, no las cates á la candela.
Choose neither a woman nor linen by candlelight.

نه عیال خود را، نه کتان خود را
هیچ موقع زیر نور شمعی نگزین.

La mula y la muger por balagos hacen el mandado.
A mule and a woman do what is expected of them.

آنچه از آنان توقع می‌رود
قاطر و زن هر دو آن را می‌کنند.

La occasion hace el ladron.
Opportunity makes the thief.

فرصت است آنچه دزد می‌سازد.

La primera muger escoba, y la segunda señora.
The first wife is a broom, and the second a lady.

اولین زن همیشه یک جاروست
دومی خانم است و کدبانوست.

La quinta rueda al carro no hace sino embaraçar.
A fifth wheel to a cart is but an encumbrance.

چرخ پنجم وبال یک گاری است.

Las malas nuevas siempre son ciertas.
Bad news is always true.

خبر بد همیشه واقعی است.

Las sopas y los amores, los primieros son mejores.
Of soups and loves the first are the best.

از میان سوپ‌ها و عشق‌ها
اولی‌ها بهترین‌اند از قضا.

Lavar la cabeça del asno perdimiento de javon.
It is a loss of soap to wash the ass's head.

کلهٔ یک الاغ را شستن
یعنی اتلاف کامل صابون.

Lo que con los ojos veo, con el dedo lo adevino.
What I see with my eyes I count with my fingers.

آنچه در پیش دو چشمم دارمش
با سرانگشتان خود بشمارمش.

Lo que hecho es, hecho ha de ser por esta vez.
What is done, is done for this time.

چیزی که شده، برای این بار شده.

Lo que la fuerça no puede, ingenio lo vince.
What force cannot do ingenuity may.

آنچه بیرون از توان زور بود
ابتکار آدمی خواهد نمود.

Lo que la muger quiere, Dios lo quiere.
What a woman wills, God wills.

آنچه یک زن اراده کرد آن را
گویی آن را اراده کرده خدا.

Lo que mucho vale, de so tierra sale.
What much is worth comes from the earth.

آنچه بیش از همه ارزش دارد
از دل خاک برون می‌آید.

Lo que no acerta en un ano, acerta en un rato.
What does not happen in a year may happen in a moment.

آنچه آن در عرض سالی رخ نداد
ای بسا در لحظه‌ای رخ می‌دهد.

Lo que no quieres para ti, no lo quieras para mi.
What you dislike for yourself do not like for me.

آنچه را بهر خود نمی‌خواهی
هرگز آن را برای من نپسند.

Lo que saben tres, sabe toda res.
What three know, everybody knows.

آنچه آن را سه نفر می‌دانند
همهٔ خلقِ دگر می‌دانند.

Los niños y los locos dicen la verdad.
Children and fools speak the truth.

بچه‌ها و آن‌کسانی که خرند
راستش را بر زبان می‌آورند.

Madre, que cosa es casar? Hija, hilar, parir, y llorar.
Mother, what is marrying? Spinning, bearing children, and crying, daughter.

مادر من، به من بگو که چه چیز
معنی ازدواج مرد و زن است؟
دخترم، ازدواج نخ‌ریسی
بچه زاییدن و گریستن است.

Mas tira moça que soga.
A girl draws more than a rope.

دختری بیش از طنابی می‌کشد.

Mas vale cabeza de raton que cola de leon.
Better be the head of a rat than the tail of a lion.

سر یک موش اگر باشم من
بهتر است از دم شیری بودن.

Mas vale con mal asno contender que la leña acuestas traer.
It is better to strive with a stubborn ass than to carry the wood on one's back.

سروکله زدن با یک خر بد
به از هیزم‌کشی بر پشت خویش است.

Mas vale humo de mi casa que fuego de la agena.
Better is the smoke of my own house than the fire of another's.

دودی اندر خانهٔ من خوش‌تر از
آتشی در خانهٔ آن دیگری است.

Mas vale mala avenencia que buena sentencia.
A bad compromise is better than a successful suit.

یک توافق اگرچه معیوب است
بهتر از یک شکایت خوب است.

Mas vale puñado de natural que almozada de ciencia.
A handful of motherwit is worth a bushel of learning.

یک ارزن هوش مادرزاد
به یک من علم و فضل ارزد.

Mas vale que sobre, que no que falte.
Better there should be too much than too little.

بسیار زیاد به ز بسیار کم است.

Mas vale rodear que no ahogar.
Better go about than be drowned.

کج کردن راه خوش‌تر از غرق شدن.

Mas vale ruin asno que ser asno.
Better have a bad ass than to be your own ass.

یک خر بد داشته باشی اگر
از خر خود بودن تو خوب‌تر.

Mas vale vuelta de llave que conciencia de frayle.
A turn of the key is better than the conscience of a friar.

چرخش یک کلید داخل قفل
به ز وجدان راهبی باشد.

Mete mendigo en tu pajar, y hacer se te ha heredero.
Put a beggar into your barn and he will make himself your heir.

گدا را تو در آغلت جا بده
طرف خویش را وارثت می‌کند.

Mientra en mi casa me estoy, rey me soy.
In my own house I am a king.

من درون خانهٔ خود شاهی‌ام.

Mira que ates que desates.
See that you tie so that you can untie.

سعی کن تا گرهی را بزنی
که توانی که خودت باز کنی.

Mudar costumbre a par de muerte.
To change a habit is like death.

ترک یک عادت شبیه مردن است.

Muger, viento, y ventura, presto se muda.
Women, wind, and fortune, soon change.

در سه پدیده: زن و تقدیر و باد
هست دگرگون شدن اندر نهاد.

Necios y porfiados hacen ricos los letrados.
Fools and the perverse fill the lawyers' purse.

می‌کند اسکل خنگ و گاگول
همچنین کله‌شق نامعقول
کیف پول وکلا را پرِ پول.

Ni absente sin culpa, ni presente sin disculpa.
Absent, none without blame; present, none without excuse.

از غایبان حتی یکی بی‌اشتباه
از حاضران حتی یکی بی‌عذر نیست.

Ni do ni tomo, como judio en sábado.
I neither give nor take, like a Jew on the Sabbath.

بنده نه می‌دهم، نه می‌گیرم
همچنان یک جهود در سبث.

No da quien quiere, sino quien tiene.
Not he gives who likes, but who has.

نه آن‌کس که خواهد، که آن‌کس که دارد دهد.

No digais mal del año hasta que sea pasado.
Speak not ill of the year until it is past.

تا به پایان نیامده یک سال
هیچ موقع نگو چه سال بدی است.

No digo quien eres, que tu te lo dirás.
I do not tell thee what thou art, thou wilt tell it thyself.

نمی‌گویم که کی هستی، خودت البته خواهی گفت.

No es de vero lágrimas en la muger, ni coxuear en el perro.
A woman's tears and a dog's limping are not real.

آن دو چیزی که به‌کل راستکی نیست که نیست
اشک‌های زنی و لنگ زدن‌های سگی است.

No es en mano del piloto que dexe el viento su soplo.
It is not in the pilot's power to prevent the wind from blowing.

ناخدا را اختیاری نیست تا
باد را گوید که سوی ما نیا.

No falte voluntad, que no faltará lugar.
Where there is no want of will, there will be no want of opportunity.

کمبود اراده هرکجا نیست
کمبود مجال کارها نیست.

No halla agua en la mar.
He cannot find water in the sea.

به دریا هم که بفرستید او را
بدون آب بازآید ز دریا.

No hay casa do no haya su calla! calla!
There is no house without its hush! hush!

خانه‌ای نیست در تمام جهان
«هیس، هیس»ی نباشد اندر آن.

No hay cerradura, si es de oro la ganzua.
There is no lock, if the pick is of gold.

هرکجایی کلنگ زرینی است
هیچ قفل و حفاظی آن‌جا نیست.

No hay dulzura sin sudor.
No sweetness without sweat.

تا تو عرق جبین نریزی
در کام خود انگبین نریزی.

No hay ladron sin encubridor.
If there were no receiver there would be no thief.

هرکجا مالخری نیست، در آن دزدی نیست.

No hay mejor bocado que el hurtado.
There is no choicer morsel than that which is stolen.

لقمه‌ای خوشمزه‌تر از لقمهٔ کش‌رفته نیست.

No hay pariente pobre.
No relation is poor.

آدم بی‌پول خویشاوند نیست.

No hay peor burla que la verdadera.
There is no worse joke than a true one.

جوکی بدتر از یک جوک راست نیست.

No hay peor sordo que el que no quiere oir.

None so deaf as he that won't hear.

هیچ فردی شبیه انسانی
که نخواهد که بشنود کر نیست.

No hay tal madre como la que pare.

There is no mother like the mother that bore us.

مادری پیدا نگردد هیچ جا
مثل آن مادر که ما را زاده است.

No hay tal razon como la del baston.

There's no argument like that of the stick.

هیچ برهانی چو برهان چماقی نیست.

No hiere Dios con dos manos.

God does not smite with both hands.

خدا با هر دو دست خود نکوبد.

No se pierde todo lo que está en peligro.

All is not lost that is in danger.

هرکجا چیزی اگر در خطر است
نه چنین است که کلاً هدر است.

No serás amado si de tí solo tienes cuidado.

You will not be loved if you care for none but yourself.

گر تو تنها به خود بها بدهی
دیگران دوستت نمی‌دارند.

No son soldados todos los que van á la guerra.

All are not soldiers who go to the wars.

هرکه در میدان جنگی می‌رود سرباز نیست.

No te tomes con el ollero, que del burro hace dinero.

Don't scuffle with the potter, for he makes money by the damage.

مطلقاً دعوا نکن با اوستای کوزه‌گر
کز خرابی پول درمی‌آورد او بیش‌تر.

Nunca mucho costó poco.
Much worth never cost little.

خوب وقتی که بوده کالایی
قیمتش کم نبوده در جایی.

O demo á os suyos quiere.
The devil is fond of his own.

ابلیس هواخواه کسان خویش است.

Ojos que no ven, corazon que no quiebra.
If the eyes don't see, the heart won't break.

دیده وقتی که نبیند، دل کجا خواهد شکست.

Olla que mucho hierve, sabor pierde.
The stew that boils much loses favour.

شوربایی که جوش خورده زیاد
عطر خود را ز دست خواهد داد.

O morirá el asno, ó quien le aguija.
Either the ass will die, or he that goads it.

یا خره می‌میره یا اونی که سیخش می‌زنه.

Onza de estado, libra de oro.
An ounce of state to a pound of gold.

یک نخود ملک و زمین نیکوتر از یک من طلاست.

Ovejas bobas, por do va una, van todas.
Silly sheep, where one goes, all go.

گوسفندان مشنگی، هر جا
که یکی رفت تماماً بروند.

Paga lo que debes, sanarás del mal que tienes.
Pay what you owe, and be cured of your complaint.

دین خود را چو به مردم دادی
دیگر از رنج و عذاب آزادی.

Palabra de boca, piedra de honda.

A word from the mouth, a stone from a sling.

واژه‌ای از یک دهان و سنگی از قلاب‌سنگ

(چون رها شد رفته است و برنمی‌گردد به چنگ).

Palabras azucaradas por mas son amargas.

Sugared words generally prove bitter.

کلمات شکرین معمولاً

حامل معنی تلخی هستند.

Para azotar el perro, que se come el hierro.

If you want to beat a dog, say he ate your iron.

اگر خواهی که یک سگ را کتک زد

بگو او آهنت را خورده باشد.

Para los desdichados se hizo la horca.

The gallows was made for the unlucky.

طناب و چوبه‌های دار هر جاست

برای مردم بدشانس برپاست.

Pariente a la clara el hijo de mi hermana.

My sister's son is a kinsman beyond dispute.

پسر خواهر من فامیلی است

و در این مسئله هم بحثی نیست.

Parto malo, y hija en cabo.

A bad labour, and a daughter after all.

یک زحمت پوچ و آخرش یک دختر.

Pelean los ladrones y descubrense los hurtos.

When thieves fall out the thefts come to light.

تا که بین دزدها دعوا شود

راز دزدی‌هایشان افشا شود.

Pereza, llave de pobreza.

Sloth is the key of poverty.

کون‌گشادی کلید بی‌چیزی است.

Perro que lobos mata, lobos le matan.

The dog that kills wolves, is killed by wolves.

آن سگی که گرگ‌ها را می‌کشد
گرگ‌ها دیری است او را کشته‌اند.

Peso y medida quitan al hombre fatiga.

Weight and measure save a man toil.

از اذیت شدن و درد و گزند
وزن و اندازه تو را دور کنند.

Piensan los enamorados que tienen los otros los ojos quebrados.

Lovers think that others have no eyes.

عاشقان راست چنین وهم و خیالی در سر
که به‌کل چشم ندارند کسان دیگر.

Planta muchas veces traspuesta ni crece ni tredra.

A tree often transplanted neither grows nor thrives.

درختی که این‌جا به آن‌جا شود
نه رشدی کند، نه شکوفا شود.

Pobreza no es vileza, ma es ramo de picardia.

Poverty is no sin, but it is a branch of roguery.

اگرچه تنگدستی یک گنه نیست
ولیکن شاخه‌ای از نابکاری است.

Poca hiel hace amarga mucha miel.

A little gall embitters much honey.

کمی زرداب اگر افتد در آن‌جا
نماید تلخ یک‌عالم عسل را.

Poco á poco se va léjos.

Little by little one goes far.

اندک اندک آدمی تا دوردستان می‌رود.

Pollino que me lleve, y no caballo que me arrastre.

Give me the ass that carries me in preference to the horse that throws me.

الاغی به من ده که راهم برد
نه اسبی که من را بکوبد زمین.

Por la calle de despues se va á la casa de nunca.
By the street of "By-and-by" one arrives at the house of "Never."

از خیابان صبر کن، الآن
خانهٔ هرگز است مقصدمان.

Puerta abierta al santo tienta.
An open door tempts a saint.

گر دری باز بماند چه بسا
بکند وسوسه قدیسی را.

Puridad de dos, puridad de Dios; puridad de tres, de todos es.
A secret between two is God's secret, a secret between three is everybody's.

راز دو نفر راز خدای یکتاست
راز سه نفر راز تمام دنیاست.

Puteria ni hurto nunca se encubren mucho.
Whoredom and thieving are never long concealed.

جندگی یا که دزد بودن فرد
دیرگاهی نهان نمی‌مانند.

Qual el dueño tal el perro.
As is the master, so is his dog.

هر سگی مثل صاحب خودش است.

Qual es el rey, tal es la grey.
As is the king, so are his people.

شاه هر جوری که باشد، ملتش آن‌جوری‌اند.

Quando ayunque, sufre, quando mazo, tunde.
When you are an anvil, bear; when you are a hammer, strike.

هر زمان سندان شدی، طاقت بیار
هر زمان چکش شدی، محکم بکوب.

Quando Dios quiere, con todos vientos llueve.
When God pleases it rains with every wind.

وقتی که میل بارش باران کند خدا
باران بیاورند تمامی بادها.

Quando el diablo reza, engañarte quiere.
When the devil says his prayers he wants to cheat us.

هر زمان ذکر بگوید شیطان
شیره خواهد که بمالد سرمان.

Quando el hierro está encendido, entonces ha de ser batido.
When the iron is hot, then is the time to strike.

چون‌که آهن تفته باشد، موقع کوبیدن است.

Quando el necio es acordado, el mercado es ya pasado.
When the fool has made up his mind the market is over.

تا که تصمیم بگیرد احمق
در بازار دگر بسته شده.

Quando el villano está rico, no tiene pariente, ni amigo.
When a peasant gets rich, he knows neither relations nor friends.

تا دهاتی پولداری می‌شود
دوست و فامیل یادش می‌رود.

Quando la mala ventura se duerme, nadie la despierte.
When ill-luck sleeps, let no one wake her.

شانس بد هر موقعی خوابیده است
هیچ‌کس نگذار بیدارش کند.

Quando te dieren el anillo, pon el dedillo.
When they offer you a ring, hold out your finger.

وقتی که حلقه‌ای به تو تقدیم می‌کنند
فوری جلو بیار تو انگشت خویش را.

Quando todos te dijeren que eres asno, rebuzna.
When every one says you are an ass, bray.

همه گر بگویند هستی تو خر
تو، جان برادر، بگو عرّوعر.

Quando una puerta se cierra, ciento se abren.
When one door shuts, a hundred open.

گر دری بر روی تو گردد فراز
صد در دیگر شود زان‌سوی باز.

Quando vieras tu casa quemar, llegate á escalentar.
When thou seest thy house in flames, go warm thyself by it.

خانه‌ات را چو در آتش دیدی
خویش را با شررش گرم بکن.

Quebrasteme la cabeza, y ahora me untas el casco.
You have broken my head and now you bring plaister.

تو سرم را شکسته‌ای و کنون
مرهم آورده‌ای که بگذاری.

Quien abrojos siembra espinas coje.
He who sows brambles reaps thorns.

خاربن هر کس کاشت
خار برخواهد داشت.

Quien al cielo escupe, en la cara le cae.
He who spits above himself will have it fall on his face.

رو به بالا هر آن که تف بکند
تف او توی صورتش افتد.

Quien á su perro quiere matas, rabia le ha de levantar.
Whoso wants to kill his dog has but to charge him with madness.

هرکه خواهد که سگش را بکشد
کافی است این‌که بگوید هار است.

Quien á treinta no asesa, no comprará dehesa.
He who at thirty has no brains, will never purchase an estate.

هرکه در سی‌سالگی یک بی‌مخ است
ملک و املاکی نمی‌آرد به دست.

Quien bien quiere á Pedro, no hace mal á su perro.
He who loves Pedro won't harm his dog.

چنانچه کسی عاشق پدرو بود
سگش را اذیت نخواهد نمود.

Quien bien siembra, bien coge.
He who sows well, reaps well.

هرکه نیکو کاشت نیکو بدرود.

Quien busca halla.
He who seeks, finds.

هرکه جویا گشت پیدا می‌کند.

Quien canta, sus males espanta.
Who sings, drives away care.

هر کسی آواز می‌خواند
غصه را از خویش می‌راند.

Quien come y dexa, dos veces pone la mesa.
A penny spared is a penny saved.

هر یک پنی که فرد پس‌انداز کرده است
انگار کن که یک پنی آورده او به دست.

Quien con lobos anda, á aullar se enseña.
He who goes with wolves learns to howl.

او که با گرگ‌ها به راه افتاد
زوزه از گرگ‌ها بگیرد یاد.

Quien con perros se echa, con pulgas se levanta.
He who lies down with dogs gets up with fleas.

با سگا هرکی بخوابه، با ککا بیدار می‌شه.

Quien con tosco ha de entender, mucho seso ha menester.
He who has to deal with a blockhead has need of much brains.

او که کارش به خلی افتاده
ای بسا عقل که لازم دارد.

Quien da lo suyo ántes de su muerte, que le den con un mazo en la frente.
Who gives what he has before he is dead, take a mallet and knock that fool on the head.

او که پیش از مرگ مالش را به مردم می‌دهد
یک چکش بردار و روی کلهٔ پوکش بکوب.

Quien da presto, da dos veces.
He gives twice who gives in a trice.

دو بار می‌دهد آن‌کس که بی‌درنگ دهد.

Quien desalaba la cosa ese la compra.
He who finds fault wants to buy.

کسی که عیب بگیرد همو خریدار است.

Quien dice lo que quiere, oye lo que no quiere.
He who says what he likes, hears what he don't like.

او که هر چیزی دلش می‌خواست گفت
بشنود آنچه نمی‌خواهد شنفت.

Quien dice lo suyo, mal callará lo ageno.
He who tells his own secret will not keep another's.

او که راز خویش را افشا نمود
رازدار دیگر آدم‌ها نبود.

Quien en un año quiere ser rico, al medio le ahorcan.
He who wants to be rich in a year comes to the gallows in half a year.

او که می‌خواهد سر یک سال گردد پولدار
قطعاً او شش ماه دیگر آمده تا پای دار.

Quien en una piedra dos veces tropieza, no es maravilla se quiebre la cabeza.
No wonder if he breaks his head who stumbles twice over one stone.

عجیب نیست اگر بشکند سر یارو
دو بار اگر سر سنگی سکندری خورد او.

Quién es tu enemigo? Hombre de tu oficio.
Who is your enemy? A man of your own trade.

دشمنت کیست؟ فرد هم‌شغلت.

Quien feo ama, hermoso le parece.
She who loves an ugly man thinks him handsome.

هر زنی کو عاشق یک مرد نازیباست
در خیالش مرد او بسیار خوش‌سیماست.

Quien guarda su poridad escusa mucho mal.
He who keeps his own secret avoids much mischief.

هرکه از افشای راز خویش بنماید حذر
دور دارد خویش را از ضدحال و دردسر.

Quien ha criados, ha enemigos no escusados.
He who has servants has unavoidable enemies.

هر کسی که نوکرانی دارد او
دشمنان بی‌امانی دارد او.

Quien la fama ha perdido, muerto anda en la vida.
He who has lost his reputation is a dead man among the living.

هر کسی نام نیک خود را باخت
مرده‌ای بین زندگان باشد.

Quien las cosas mucho apura, no tiene vida segura.
Who is prying into other men's affairs, leads a dangerous life.

او که دنبال فضولی در امور دگری است
زندگی کردن او کار بسی پرخطری است.

Quien las sabe, las tañe.
Let him play the instrument who knows how.

بگذارید کسی ساز زند
که طریق زدنش را بلد است.

Quien lazo me armó, en él cayó.
He who laid a snare for me has fallen into it.

برای بنده همانی که دام بنهاده
درون دام خودش مثل این‌که افتاده.

Quien mala cama hace, en ella se yace.
As you make your bed so you must lie in it.

بسترت را هر مدل می‌گستری
لاجرم باید بدان‌سان نیز هم
روی آن شب را به پایان آوری.

Quien mal anda en mal acaba.
He who begins badly, ends badly.

او که بد آغاز کرده بد به پایان می‌برد.

Quien mal casa, tarde enviuda.
He who marries ill, is long in becoming widowed.

آرزوی بیوه بودن می‌کند
او که با یک ازدواج نادرست
خویش را در بند یک زن می‌کند.

Quien mas corre, menos vuela.
The more haste the less speed.

هرچه شتاب بیش‌تر، سرعت کار کم‌تر است.

Quien mas sabe mas calla.
Who knows most says least.

هرکه علمش بیش‌تر باشد کلامش کم‌تر است.

Quien mas tiene, mas quiere.
The more one has the more one wants.

هرقدَر بیش‌تر آدم دارد
طمع بیش‌تری هم دارد.

Quien ménos procura, alcanza mas bien.
He who asks the fewest favours is the best received.

هر کسی درخواست‌هایش اندک است
پاسخ نیکوتری آرد به دست.

Quien mucho habla, en algo acierta.
He who talks much is sometimes right.

آدم بسیارگو گهگاه حرف حق زند.

Quien mucho habla, mucho yerra.
Who talks much, errs much.

او که بسیار سخن می‌گوید
دم به دم راه خطا می‌پوید.

Quien no te conoce te compre.
Let him who does not know you buy you.

بگذار آن‌کسی تو را بخرد
که نداند به‌کل تو چی هستی.

Quien no tiene mas de un sayo no puede prestarlo.

He who has but one coat cannot lend it.

هر کسی یک کت اگر دارد و بس
نتواند دهدش قرض به کس.

Quien no va á carava, no sabe nada.

He who does not mix with the crowd knows nothing.

هر کسی با مردمان دمخور نشد
هیچ چیزی مطلقاً حالیش نیست.

Quien pesca un pez, pescador es.

He who catches one fish is a fisherman.

او که یک ماهی بگیرد مرد ماهیگیری است.

Quien poco sabe, presto lo reza.

He who knows little soon tells it.

هر کسی چیز کمی می‌داند
فوری آن را به زبان می‌راند.

Quien primero viene, primero muele.

He who comes first grinds first.

هر کس اول به آسیاب آید
غله‌اش اول آرد خواهد شد.

Quien promete, en deuda se mete.

He who promises incurs a debt.

او که قولی بدهد قرض به بار آورده.

Quien quiere tomar, conviénele dar.

He who would take must give.

باید بدهد او که بخواهد گیرد.

Quien quita la ocasion, quita el pecado.

He who avoids the temptation avoids the sin.

هر کسی از وسوسه دوری کند
از گناه البته دوری کرده است.

Quien se fia de amigo no fiel, buen testigo tiene contra el.

He that trusts a faithless friend, has a good witness against him.

به رفیقی که بی‌وفا باشد
هر کسی اعتماد می‌کند او
شک مدارید کو علیه خودش
به کف آورده شاهدی نیکو.

Quien se guarda, Dios le guarda.

God helps him who helps himself.

همان‌کس را خدا یاری نماید
که او هم خویش را یاری نماید.

Quien siembra abrojos, no ande descalzo.

He who sows brambles must not go barefoot.

آن‌کسی که خار می‌کارد نمی‌باید
هیچ موقع پابرهنه راه پیماید.

Quien sirve no es libre.

He who serves is not free.

او که خدمت می‌کند آزاد نیست.

Quien todo lo quiere, todo lo pierde.

He who grasps all loses all.

همه را هرکه بچسبد، همه را خواهد باخت.

Quien una vez hurta, fiel nunca.

He who steals once is never trusty.

او که یک بار دزدی‌ای بکند
قابل اعتماد هرگز نیست.

Quieres buen mercado? Con el necio necesitado.

Do you want to buy cheap? Buy of a needy fool.

خواهی ارزان بخری جنسی را؟
از یکی ابله محتاج بخر.

Qui escudella daltri espera, freda la menja.
He who waits for another's platter has a cold meal.

هرکه چشمش در پی دیس غذای دیگری است
در نهایت قسمتش غیر از غذایی سرد نیست.

Reniego del amigo, que cubre con las alas y muerde con el pico.
Avoid a friend who covers you with his wings and destroys you with his beak.

حذر زان دوست ناباب باید
که پوشاند تو را با بال‌هایش
و با منقار نابودت نماید.

Resfriadas duelen mas las llagas.
Wounds pain most when grown cool.

زخم وقتی سرد شد دردش زیادت می‌شود.

Ruego de grande fuerza es que te hace.
A great man's entreaty is a command.

خواهش مرد بزرگی امر است.

Sacarlo de entre los cardos, sacároslo hemos de entre las manos.
Pluck it from among the thistles, and we will take it off your hands.

بچینش از میان خارها تا
برون آریم از دست تو آن را.

Saltar de la sarten, y dar en las brasas.
To jump out of the frying-pan and fall into the fire.

ز ماهیتابه در آتش پریدن.

Sanan llagas, y no malas palabras.
Wounds heal, but not ill words.

زخم‌ها بالجمله درمان می‌شوند
غیر زخم حرف‌های ناپسند.

Si bien me quieres, Juan, tus obras me lo diran.
If you love me, Juan, your acts will tell me so.

گر عشق من ای یوان، به جانت افتاد
اعمال تو از عشق خبر خواهد داد.

Si el cielo se cae, quebrarse han las ollas.

If the sky falls there will be pots broken.

هر زمان آسمان سقوط کند
هرکجا کوزه‌ای است می‌شکند.

Si la locura fuese dolores, en cada casa darian voces.

If folly were a pain, there would be groaning in every house.

حماقت درد اگر می‌بود، قطعاً
صدای ناله در هر خانه‌ای بود.

Si no va el otero á Mahoma, vaya Mahoma al otero.

If the mountain will not go to Mahomet, Mahomet must go to the mountain.

کوه اگر نزد محمد نرود
باید آقای محمد شخصاً
نزد آن کوه مشرف بشود.

Si quieres ser bien servido, sírvete a tú mismo.

If you wish to be well served, serve yourself.

خدمت خوبی اگر می‌خواهی
خودت اول به خودت خدمت کن.

Si se perdieron los anillos, aquí quedáron los dedillos.

If the rings are lost, here are the fingers still.

اگر انگشتری‌ها رفته از دست
هنوز انگشت‌ها در جای خود هست.

Si uno dos y tres te dicen que eres asno, ponte un rabo.

If one, two, three say you are an ass, put on a tail.

اگر یک نفر یا دو تن یا سه تن
بگویند تو یک خری جان من
درِ کون خود تو دمی را بزن.

Sobre gusto no ha disputa.

There is no disputing about taste.

بر سر ذائقه‌ها بین کسان
جروبحثی نشود هیچ زمان.

Sobre un huevo pone la gallina.
The hen lays upon an egg.

روی تخمی مرغ تخمی می‌نهد.

So el sayal, hay al.
Under the sackcloth there is something hid.

چیزی اندر زیر گونی مخفی است.

Todo camino vá á Roma.
Every road leads to Rome.

پایان تمام راه‌ها شهر رم است.

Tonto, sin saber latin, nunca es gran tonto.
A fool, unless he know Latin, is never a great fool.

مشنگی کس‌مشنگ کاملی نیست
مگر وقتی که لاتین هم بداند.

Tras el vicio viene el fornicio.
After one vice a greater follows.

پس از آن‌که یک شر به ما می‌رسد
یکی شر بدتر فرا می‌رسد.

Tras los dias viene el seso.
Sense comes with age.

عقل با سن و سال می‌آید.

Tras pared ni tras seto, no digas en secreto.
Do not tell your secrets behind a wall or a hedge.

رازهای خویشتن را ای عمو
پشت پرچین یا که دیواری نگو.

Triste es la casa, donde la gallina canta, y el gallo calla.
It goes ill in the house where the hen sings and the cock is silent.

مطلقاً خیری در آن خانه نمی‌آید به دست
گر در آن‌جا مرغ می‌خواند، خروسش ساکت است.

Una cosa piensa el vayo, y otra el que lo ensilla.
The horse thinks one thing, and his rider another.

اسب به یک چیز بیندیشد و
او که سوار است به چیزی دگر.

Un loco hace ciento.
One fool makes a hundred.

ابلهی صد ابله دیگر بسازد.

Uso hace maestro.
Practice makes perfect.

تمرین به کمال می‌رساند.

Vaso malo nunca cae de mano.
A bad vessel never falls from the hand.

ظرف بی‌ارزش و مزخرف و بد
هرگز از دست ما نمی‌افتد.

Verse alguno en calzas prietas.
To find oneself in tight breeches.

داخل تنبان تنگی خویشتن را یافتن
(= خویشتن را توی وضعی استرس‌زا یافتن).

Viene ventura á quien la procura.
Luck comes to those who look after it.

بخت تنها نصیب آنان است
که به دنبال بخت می‌گردند.

Viento y ventura poco dura.
Wind and good luck are seldom lasting.

به ندرت باد و بخت شادکامی
برای مدتی دارد دوامی.

Viuda lozana, ó casada, ó sepultada, ó emparedada.
A buxom widow must be married, buried, or cloistered.

یک زن بیوهٔ شاداب و تپل
یا بباید که به شوهر برود
یا که در قبر بخوابانندش
یا که یک راهبه در دِیر شود.

Vos doña, yo doña, quien botara á porca fora?
You a lady, I a lady, who is to put the sow out of doors?

من خانم و تو خاتون
پس خوکه رو کی حالا
باید ببره بیرون؟

Voz del pueblo es voz de Dios.
The voice of the people is the voice of God.

صدای خلق صدای خود خداوند است.

Yo como tú y tú como yo, el diablo te me dió.
I am like you and you like me, the devil united us.

من مثل توام، تو نیز چون من هستی
ما را خود ابلیس به هم پیوسته.

Yo dueña y vos doncella, quien barrerá la casa?
I mistress and you miss, who is to sweep the house?

من خانم و تو بانو
پس خونه رو کی حالا
باید بکنه جارو؟

Yo duro y vos duro, quien llevará lo maduro.
I stubborn and you stubborn, who is to carry the load?

هم تویی سرکش و هم من سرکش
بار را پس که کشد بر دوشش؟

Yo molondron, tu molondrona, cásate conmigo, Antonia.

I a lazy lout, you a lazy lout, marry me, Antonia.

من یک تن‌لش هستم، تو یک تن‌لش هستی
ای آنتونیا، حالا با بنده عروسی کن.

Yo sé que me sé, mas de esto callar me he.

I know what I know, but will say nothing about it.

بنده می‌دانم آنچه می‌دانم
لیک حتی کلامی از آن را
این محال است بر زبان رانم.

Zapatero, á tu zapato.

Shoemaker, stick to your last.

پینه‌دوزا، قالب خود را بچسب.
(= توی کاری که نمی‌فهمی که چیست
خویش را قاطی نمودن خوب نیست.)

پرتغالی

A adem, a mulher, e a cabra, he má cousa sendo magra.
A goose, a woman, and a goat, are bad things lean.

غاز و زن و بز لاغرشان بد باشد.

A agoa o dá, a agoa o leva.
What water gives, water takes away.

چیز آب‌آورده را آبی برد.

Abre tua bolsa, abrirei a minha boca.
Open your purse, and I will open my mouth.

کیف پولت را تو بگشا
می‌گشایم من دهان را.

A cabra de minha visinha, mais leite dá que a minha.
My neighbour's goat gives more milk than mine.

شیر بز خانهٔ همسایه‌ام
بیش‌تر از شیر بز بنده است.

Acenai ao discreto, dai-o por feito.
Give a hint to the man of sense, and consider the thing done.

به عاقل فقط یک اشاره بکن
و انگار کن کارت انجام شد.

Achou o cego hum dinheiro.
The blind man has picked up a coin.

مرد کوری سکه‌ای را یافته.

Acompanha com os bons, e séras hum delles.
Keep good company and you shall be of the number.

تو با نیکان چو کردی همنشینی
خودت را یک تن از آنان ببینی.

A dor de cabeça minha, e as vaccas nossas.
The headache is mine and the cows are ours.

سردرد از آن من شد و گاوان از آن ما.

A gallinha aparta-lhe o ninho, e pôr-te-ha o ovo.
Prepare a nest for the hen and she will lay eggs for you.

لانه‌ای بهر مرغ حاضر کن
او برای تو تخم خواهد کرد.

A gente pobre moeda miuda.
For poor people small coin.

از برای بی‌نوایان سکه‌ای کوچک بس است.

Agoa salobra na terra secca he doce.
Brackish water is sweet in a drought.

آب شوری در زمان خشکسال
می‌شود یک آب شیرین و زلال.

A homem ventureiro a filha lhe nasce primeiro.
The lucky man has a daughter for his firstborn.

اولین فرزند مرد نیکبختی دختر است.

Ainda que a garça voe alta, o falcaõ a mata.
Though the heron flies high the falcon kills it.

گرچه درنا سخت بالا می‌پرد
در نهایت قوش او را می‌درد.

Ainda que somos negros, gente somos, e alma temos.
Though we are negroes, we are men, and have souls.

ما گرچه سیاهیم، ولی انسانیم
ما هم چو شما صاحب روح و جانیم.

Ainda que teu sabujo he manso, naõ o mordas no beiço.
Though your mastiff be gentle, do not bite his lip.

سگ تو گرچه سگ آرامی است
لب او را ابداً گاز نگیر.

Alcança quem naõ cança.
Who faints not, achieves.

هرکه از پای نمی‌افتد او
به هر آن چیز که خواهد برسد.

Alfaiate mal vestido, sapateiro mal calçado.
The tailor ill-dressed, the shoemaker ill-shod.

خیاط رختی ژنده داره
کفاش کفشی کهنه‌پاره.

A má lingua, tesoura.
For a bad tongue scissors.

قیچی است سزای آن زبانی که بد است.

A máo bácoro, boa lande.
To the lean pig a fat acorn.

از برای خوک لاغر دانهٔ چاق بلوط.

Amar, e saber naõ póde ser.
To love and be wise is incompatible.

عاشقی و عاقلی توأمان
از محالات است سازش بینشان.

A má visinha dá a agulha sem linha.
The bad neighbour gives a needle without thread.

همسایهٔ بد سوزنی بی‌نخ به آدم می‌دهد.

Amigo de bom tempo, muda-se com o vento.
A fair-weather friend changes with the wind.

رفیق روزهای سرخوش و شاد
دگرگون می‌شود همراه هر باد.

Amigo de todos, e de nenhum, tudo he hum.
Everybody's friend or nobody's friend, is all one.

دوست هر کس و هر ناکس با
دوست هیچ کسی یک چیز است.

A molher, e a gallinha por andar se perde asinha.
A woman and a hen are soon lost through gadding.

یک زن و یک مرغ وقتی ول شوند
هر دو خیلی زود از دستت روند.

A molher, e a ovelha com cedo a cortelha.

Your wife and sheep early at home.

گوسفند تو و زنت باید
سر موقع به خانه بازآید.

Amor, e senhoria, naõ quer companhia.

Love and lordship like not fellowship.

حکومت و عاشقی شریک‌بردار نیست.

A muita cautela, damno naõ causa.

Much caution does no harm.

احتیاط زیاد بی‌ضرر است.

A muita conversaçaõ he causa de menos preço.

Too much familiarity breeds contempt.

صمیمیت اگر بسیار گردد
مصاحب در نگاهت خوار گردد.

Antes a lãa se perca, que a ovelha.

Rather lose the wool than the sheep.

بهتره پشم گوسفنده بره
تا خود گوسفنده حفظ بشه.

Antes morto por ladrões, que por couce de asno.

Better be killed by robbers than by the kick of an ass.

آدمی کشتهٔ دزدان ستمگر بشود
به از آنی که شهید لگد خر بشود.

Ao homem ousado a fortuna lhe dá a maõ.

To the bold man fortune holds out her hand.

همیشه طالع و اقبال نیک دستش را
به سوی مرد دلاور دراز بنماید.

Ao inimigo, que te vira a espalda, ponte de prata.

Make a silver bridge for a flying enemy.

اگر دیدید دشمن می‌گریزد
برای او پلی سیمین بسازید.

Aos parvos apparecem os santos.
Saints appear to fools.

بر گروه ابلهان قدیس‌ها ظاهر شوند.

A pedra, e a palavra naõ se recolhe depois de deitada.
A word and a stone once let go cannot be recalled.

کلامی از دهان و سنگی از دست
چو ول شد، بازگشت آن محال است.

Arrenego de grilhões, ainda que sejaõ de ouro.
I hate fetters though they be of gold.

من از زنجیر بیزارم، اگرچه از طلا باشد.

Arrenego de tigelhina de ouro, em que hei de cuspir sangue.
I renounce the golden basin in which I have to spit blood.

من از آن تشت زرینی که باید
در آن خون تف نمایم دست شستم.

Arrufos de namorados saõ amores dobrados.
Lovers' quarrels are love redoubled.

جنگ عشاق همان عشق دوچندان شده است.

Asno contente vive eternamente.
A contented ass enjoys a long life.

گر خری قانع و راضی باشد
عمر او عمر درازی باشد.

Asno de muitos, lobos o comem.
The ass of many owners is eaten by wolves.

طعمهٔ گرگ‌ها شود یک خر
صاحبانی زیاد دارد اگر.

Asno máo, junto de casa corre sem páo.
A dull ass near home trots without the stick.

دم خانه الاغ ناقبراق
یورتمه می‌رود بدون چماق.

Asno morto, cevada ao rabo.

The ass dead, the barley at his tail.

الاغ مرده و جو در پس دم او بود.

Asno, que tem fome, cardos come.

The ass that is hungry eats thistles.

گر الاغی گرسنه‌اش باشد

گزنه و خار نیز خواهد خورد.

Assaz caro compra, quem roga.

He buys very dear who begs.

با بهای بس گزافی می‌خرد

او که چیزی را گدایی می‌کند.

As sopas, e os amores, os primeiros saõ os melhores.

Of soup and love, the first is the best.

از میان سوپ و عشق، بهترینش اولی است.

Até á morte, pé forte.

Foot firm till death.

تا زمان مرگ محکم گام نه.

A viuva rica, com hum olho chora, e com outro repica.

A rich widow weeps with one eye and laughs with the other.

زن بیوهٔ پولدار است این‌سان:

به یک چشم گریان، به یک چشم خندان.

Azeite, vinho e amigo, o mais antigo.

Of oil, wine, and friends, the oldest.

از روغن و شراب و رفیقان، کهن‌ترین.

Barba remolhada, meia rapada.

A beard lathered is half shaved.

ریش صابون‌زده نصفش زده است.

Bem canta Martha, depois de farta.
Martha farts when she has had her fill.

مارتا خوب که می‌لمباند
با همان حنجرهٔ پایینی
وه، چه آواز خوشی می‌خواند.

Bem cheira a ganancia, donde quer que vem.
Gain has a pleasant odour, come whence it will.

منفعت بوی خوشی دارد، حال
از هر آن سمت بیاید عشق است.

Bem estou com meu amigo, que come o seu paõ comigo.
I am on good terms with the friend who eats his bread with me.

با رفیقی که نونشو با من
می‌خوره، خوبِ خوب می‌سازم.

Bem perdido, he conhecido.
A good thing is known when it is lost.

چیز خوبی همین که دیگر نیست
تازه دانی که قیمت آن چیست.

Bem sabe o asno, em cuja casa rosna.
The ass well knows in whose house he brays.

خیلی قشنگ و خوب حالیشه خره
تو خونهٔ کی گرم کار عرعره.

Bem toucada naõ ha mulher feia.
No woman is ugly if she is well dressed.

هیچ زنی بدگل و بدریخت نیست
گر به تنش رخت برازنده‌ای است.

Bezerrinha mansa todas as vaccas mamma.
The gentle calf sucks all the cows.

می‌مکد گوسالهٔ آرام ما
شیر کل گاوهای گله را.

Boa he atardança, que assegura.

Good is the delay which makes sure.

آن تعلل که مطمئن بکند
مطمئناً تعلل خوبی است.

Boca de mel, coraçaõ de fel.

Mouth of honey, heart of gall.

دهانی از عسل، قلبی ز زهراب.

Boca fechada, tira-me de baralha.

A shut mouth keeps me out of strife.

دهانی که صدایی برنیارد
مرا از جنگ و دعوا دور دارد.

Boca que diz sim, diz naõ.

The mouth that says "Yes," can say "No."

آن دهانی که بگوید آری
می‌تواند نه بگوید باری.

Bole com o rabo o caõ, naõ por ti, senaõ pelo paõ.

The dog wags his tail for your bread, not for you.

سگ دم خود را اگر دیدی تکانی می‌دهد
این تکان را بهر تو نه، بهر نانی می‌دهد.

Bom amigo he o gato, senaõ que arranha.

The cat is a good friend, only she scratches.

گربه یک دوست خوب است، فقط چنگ زند.

Bom coraçaõ quebranta má ventura.

A stout heart breaks ill fortune.

یک قلب ستبر بخت بد را شکند.

Bom entendedor, poucas palavras.

A word to the wise is enough.

برای عاقلان یک واژه کافی است.

Brincai com o asno, dar-vos-ha na barba com o rabo.

Play with an ass, and he will slap your face with his tail.

با خری شوخی و بازی بنما تا که یهو
بزند با دم خود سیلی جانانه به تو.

Cabra manca naõ tem sésta.

The lame goat does not take a siesta.

بز لنگ را چرت روزانه نیست.

Cada cabello faz sua sombra na terra.

Every hair casts its shadow.

هر تار موی سایهٔ خود را بگسترد.

Cada formiga tem sua ira.

Every ant has its ire.

هر مورچه‌ای خشم خودش را دارد.

Cada hum canta como tem graça, e casa como tem ventura.

Every one sings as he has the gift, and marries as he has the luck.

هر کسی آواز خواند طبق استعداد خویش
زن بگیرد طبق بخت و شانس مادرزاد خویش.

Cada hum colhe, segundo semea.

Every one reaps as he sows.

هر کسی می‌درود آنچه خودش کاشته است.

Cada hum em sua casa he Rei.

Every one is a king in his own house.

هر کسی در سرای خود شاهی است.

Cada hum falla como quem he.

Every one speaks as he is.

هر کس آن‌سان که خودش هست سخن می‌گوید.

Cada hum se contente com o que Deos lhe dá.

Let every one be content with what God has given him.

بهل تا که هر کس قناعت کند
بدانچه خداوند داده به او.

Cada mosca faz sua sombra.
Every fly has its shadow.

هر مگس سایهٔ خود را دارد.

Cada qual em seu officio.
Every man to his trade.

هر مردی و حرفهٔ خود او.

Cada qual sabe para seu proveito.
Every one is wise for his own profit.

هر کس برای منفعت خویش عاقل است.

Caõ de palheiro nem come, nem deixa comer.
A dog in the manger, that neither eats nor lets others eat.

سگی درون یک آخور که کار او این است:
نه می‌خورد، نه گذارد که دیگران بخورند.

Caõ que muito ladra, pouco morde.
The dog that barks much, bites little.

سگی که واغواغو بود کم‌تر گاز می‌گیرد.

Casar, casar, soa bem, e sabe mal.
Marry, marry, sounds well but tastes ill.

زن بگیر و زن بگیر
ظاهرش خوب است، لیک
طعم آن نادلپذیر.

Cavallo formoso de potro sarnoso.
A ragged colt may make a handsome horse.

ای بسا که کره‌اسبی تخس و بد
در نهایت اسب زیبایی شود.

Cerra tua porta, farás tua visinha boa.
Shut your door, and you will make your neighbour good.

بهتر آن است در خانهٔ خود را بندی
تا که همسایه شود مرد شرافتمندی.

Come com elle, e guarte delle.
Eat with him, and beware of him.

با طرف هم‌سفره شو، اما از او پرهیز کن.

Come do teu, e chama-te meu.
Eat of your own, and call yourself mine.

از جیب خودت بخور، ولیکن
خود را تو بنام نوکر من.

Como me tangerem, assim bailarei.
As they pipe to me, I will dance.

هر جور که نی‌لبک برایم بزنند
من نیز همان‌جور قری خواهم داد.

Coraçaõ determinado, naõ soffre conselho.
A resolute heart endures no counsel.

وقتی دلی مصمم انجام کاری است
از دست هر نصیحت و پندی فراری است.

Coraçaõ partido, sempre combatido.
Faintheart is always in danger.

مرد بزدل همیشه در خطر است.

Coraçaõ sem arte, naõ cuida maldade.
An innocent heart suspects no guile.

یک دلک ساده و پاک از گناه
شک به دورویی نبرد هیچ‌گاه.

Corpo bem feito naõ ha mester capa.
A well-formed figure needs no cloak.

قدوبالای دل‌انگیز و نکو
چه نیازی به ردا دارد او.

Corvos a corvos naõ se tiraõ os olhos.
Crows do not peck out crows' eyes.

یک زاغ چشم زاغ دگر را نمی‌کند.

Cuidando donde vás, te esqueces donde vens.
Thinking of where you are going, you forget whence you came.

با تمرکز روی مقصد مبدأت از یاد رفت.

Dá Deos a roupa segundo he o frio.
God gives clothes according to the cold.

خدا جامه را طبق سرما عطا می‌کند.

Dá Deos nozes a quem naõ tem dentes.
God has given nuts to one who has no teeth.

به کسی داده خدا فندق را
که دگر در دهنش دندان نیست.

Dai-me dinheiro, naõ me deis conselho.
Give me money, not advice.

تو به من پول بده، پند نده.

Dai-mo pobre, dar-vo-lo-hei lisonjeiro.
Show me a poor man, I will show you a flatterer.

تو مرد فقیری نشانم بده
که من چاپلوسی نشانت دهم.

Dar he honra, e pedir deshonra.
To give is honour, to beg is dishonour.

دهش سرفرازی، گدایی سرافکندگی است.

Debaixo de boa palavra, ahi está o engano.
Under fair words beware of fraud.

در پس هر سخن خوب و قشنگ
برحذر باش ز مکر و نیرنگ.

Debaixo de huma ruim capa jaz hum bom bebedor.
Under a shabby cloak may be a smart drinker.

در پس یک ردای بی‌مقدار
هست شاید عرقخوری قهار.

Debaixo do sahal, ha al.
Under the sackcloth there is something else.

اندر پس این پلاس چیز دگری است.

Deita-te sem cea, amanhecerás sem divida.
Go to bed without supper, you will rise without debt.

بدون شام به بالین چو سر تو بگذاری
بدون قرض سحر سر ز خواب برداری.

De noite todos os gatos saõ pardos.
At night all cats are grey.

شب‌ها تمام گربه‌ها خاکستری هستند.

Deos ajuda aos que trabalhaõ.
God helps those that help themselves.

شود یاور آن‌کسانی خدا
که یاری کنند اولش خویش را.

Depois de rapar, naõ he que tosquiar.
After shaving there's nothing to shear.

بر تن گوسفند پشم‌زده
هیچ چیزی برای چیدن نیست.

De ruim a ruim, quem acommette vence.
Of two cowards, the one who attacks conquers the other.

از دو ترسو او که حمله می‌کند
می‌شود پیروز بر آن دیگری.

Despreza teu inimigo, serás logo vencido.
Despise your enemy and you will soon be beaten.

دشمنت را حقیر بنگر و خرد
تو به زودی شکست خواهی خورد.

Dinheiro emprestaste, inimigo ganhaste.
Money lent, an enemy made.

پول وقتی که قرض داده شود
دشمنی هم بنا نهاده شود.

Dinheiro faz batalha, e naõ braço largo.

Money wins the battle, not the long arm.

به پول فتح برآید، نه دست‌های دراز.

Dinheiro he a medida de todas as cousas.

Money is the measure of all things.

پول معیار تمام چیزهاست.

Dizei-lhe que he formosa, e tornar-se-ha douda.

Tell her she is handsome, and you will turn her brain.

یک بار به او بگو که زیباست

تا مغز زنک به هم بریزد.

Dize-me com quem andas, dirte-hei que manhas has.

Tell me with whom thou goest, and I'll tell thee what thou doest.

تو بگو تا همدم و یار تو کیست

تا بگویم کار و کردار تو چیست.

Do fogo te guardarás, e do máo homem naõ poderás.

You may keep yourself safe from fire, but not from a bad man.

توانی از آتش خودت را بپایی

ولی از پس ناکسی برنیایی.

Do mal o menos.

Of evils, choose the least.

بین شرها کم‌ترین را برگزین.

Dôr de mulher morta, dura até a porta.

Grief for a dead wife lasts to the door.

ماتم یک عیال مرحومه

تا دم در دوام دارد و بس.

Egoa cançada prado acha.

The tired mare goes willingly to grass.

مادیان خسته‌ای سوی علف

می‌رود مشتاق و با شور و شعف.

Elle tem cabeça, pois tambem hum alfinete a tem.
He has a head, and so has a pin.

او سری دارد و سنجاق سری.

Em casa do ladraõ, naõ lembrar baraço.
Never mention a rope in the house of a thief.

در خانهٔ مرد سارقی هیچ زمان
تو اسم طناب را نیاور به زبان.

Em quanto ha vida, ha esperança.
While there is life there is hope.

تا زندگی‌ای هست امیدی هم هست.

Entrar por hum ouvido, e sahir pello outro.
In at one ear and out at the other.

این حرف از یک گوش وارد می‌شود
از گوش دیگر نیز بیرون می‌رود.

Fallai no lobo ver-lhe-heis a pelle.
Talk of the wolf and behold his skin.

از گرگ بگو که پوستش را بینی.

Fallar, fallar, naõ enche barriga.
Fine words don't fill the belly.

شکم با حرف‌های چرب و شیرین پر نخواهد شد.

Fardel de pedinte nunca he cheio.
A beggar's wallet is never full.

کیسهٔ مرد گدا هیچ زمانی پر نیست.

Faze a teu filho teu herdeiro, e naõ teu dispenseiro.
Make your son your heir and not your steward.

پسرت را تو وارث خود کن
پیشکار و مباشرت را نه.

Faze bem, naõ cates a quem.
Do good and care not to whom.

تو نیکی کن و بی‌خیالش بشو
که در حق کی نیکویی می‌کنی.

Faze mal, e espera outro tal.
Do ill, and expect the like.

بدی کن و به جوابش در انتظار بدی باش.

Filhos casados, cuidados dobrados.
Children married, cares increased.

بچه‌ها ازدواج کردند و
دردسرها زیادتر گشتند.

Gato escaldado da agoa fria há medo.
A scalded cat dreads cold water.

گربه با آب جوش اگر سوزد
دیگر از آب سرد می‌ترسد.

Guai do filho, que o pai vai ao paraiso.
Alas for the son whose father went to heaven.

وای بر آن پسری که پدرش
سوی فردوس فتاده گذرش
(= پدرش مرد شریفی بود و
ارث نگذاشت برای پسرش).

Homem apercebido, meio combatido.
He who is well prepared has half won the battle.

او که پیش از جنگ خود را خوب حاضر کرده است
نیمی از فتح و ظفر را او به دست آورده است.

Homem de bem, tem palavra, como Rei.
An honest man's word is as good as the king's.

حرف یک مرد امین و پاکدست
معتبر همچون کلام شاهی است.

Homem de palha val mais, que mulher de ouro.
A man of straw is better than a woman of gold.

مرد اگر از کاه هم باشد سر است
از زنی که پیکر او از زر است.

Homem de teu officio, teu inimigo.

The man of your own trade is your enemy.

هم‌شغل تو دشمن تو باشد.

Homem morto, naõ falla.

A dead man does not speak.

مرد مرده سخن نمی‌گوید.

Homem nescio, dá ás vezes bom conselho.

Fools sometimes give wise men counsel.

پیش می‌آید که گاهی وقت‌ها
عاقلان را ابلهان پندی دهند.

Homem pobre, depois de comer ha fome.

A poor man is hungry after eating.

فقیری بعد خوردن هم گرسنه‌ست.

Homem põe, e Deos dispõe.

Man proposes, and God disposes.

مرد نیت می‌کند، اما خدا
می‌زند بر هم تمام نقشه را.

Honra e proveito naõ cabem em hum sacco.

Honour and profit will not keep in one sack.

سرفرازی و منفعت‌طلبی
توی یک کیسه جا نمی‌گیرند.

Huma desgraça alcança outra.

One misfortune brings on another.

هر مصیبت دیگری را در پی‌اش می‌آورد.

Hum aggravo consentido, outro vindo.

One wrong submitted to, another follows.

اگر چشم بستید بر یک خطا
خطایی دگر در پی‌اش می‌رسد.

Levar agoa ao mar.
To carry water to the sea.

آب را جانب دریا بردن.

Lobo faminto naõ tem assento.
A hungry wolf is not at rest.

یک گرگ گرسنه بی‌قرار است.

Mãi aguçosa, filha preguiçosa.
A bustling mother makes a slothful daughter.

زن زبروزرنگ چالاکی
دختری کون‌گشاد بار آرد.

Mãi, casai-me logo, que se me arruga o rosto.
Marry me forthwith, mother, for my face is growing wrinkled.

ننه، بجنب، یالا، بده سریع شوهرم
چرا که داره صورتم چروک می‌شه دم به دم.

Mais barato he o comprado, que o pedido.
What is bought is cheaper than a gift.

آنچه آن را بخری، ارزان‌تر
باشد از هدیهٔ فردی دیگر.

Mais quero asno que me leve, que cavallo que me derrube.
Better an ass that carries me than a horse that throws me.

آن الاغی که سواری بدهد
به ز اسبی که زمینم بزند.

Mais val arrodear, que afogar.
Better go round than be drowned.

راه خود را کَمَکی کج کردن
بهتر از غرق شدن می‌باشد.

Mais val ás vezes favor, que justiça, nem razaõ.
Favour oft avails more than justice or reason.

غالباً در لطف و خوبی نفعی است
از عدالت یا که منطق بیش‌تر.

Mais val bem de longe, que mal de perto.
Better a distant good than a near evil.

خیر دور از شر نزدیکی سر است.

Mais val callar, que mal fallar.
Better be silent than speak ill.

خامشی از بدزبانی بهتر است.

Mais val ganhar no lodo, que perder no ouro.
Better gain in mud than lose in gold.

چو چیزی درون گِل آید به دست
ز گم کردن اندر طلا خوش‌تر است.

Mais val guardar, que pedir.
Better keep, than have to beg.

اینک آن را حفظ کردن توی دست
از گدایی کردن آن بهتر است.

Mais val hum passaro na maõ, que dous que vaõ voando.
One bird in the hand is worth two flying.

یک پرنده توی دستان شما
بهتر است از دو پرنده در هوا.

Mais val hum toma, que dous te darei.
Better is one "Take this," than two "I-will-give-you."

یک «بگیرش» به یقین خوب‌تر است
از دو تا «بعد به تو خواهم داد».

Mais val ruim asno, que ser asno.
Better have a bad ass than be your own ass.

یک خر بد هرچه باشد یک خر است
کز خر خود بودن تو بهتر است.

Mais val só, que mal accompanhado.
Better alone than in bad company.

اگر تنها شوی بی یار و یاور
ز جمع نارفیقان است خوش‌تر.

Mais val tarde, que nunca.
Better late than never.

دیرتر از هیچ موقع بهتر است.

Mais vém quatro olhos, que dous.
Four eyes see more than two.

چار چشم از دو چشم به بیند.

Mal alheio naõ cura minha dor.
Another's misfortune does not cure my pain.

بدبیاری و ذلت دگری
درد من را دوا نخواهد کرد.

Malhar no ferro em quanto está quente.
Strike while the iron is hot.

تا که آهن تفته است آن را بکوب.

Mal vai á casa, onde a roca manda à espada.
It fares ill with the house when the distaff commands the sword.

دوک به شمشیر چو فرمان دهد
درد و بلا رو به سرا می‌نهد.

Mal vai ao passarinho na maõ do menino.
Ill fares the young bird in the urchin's hand.

نگونبخت آن مرغ بیچاره‌ای است
که بازیچۀ طفل بیکاره‌ای است.

Manda, e faze-o, tirar-te-ha cuidado.
Give orders, and do it yourself, and you will be rid of anxiety.

امر کن و خویشتن انجام ده
تا که ز هر دغدغه‌ای وارهی.

Manda o sabio com embaixada, e naõ lhe digas nada.
Send a man of sense on the embassy, and you need not instruct him.

عاقلی را به وکالت پی کاری بفرست
حاجتی نیست به او هیچ سفارش بکنی.

Máo he ter moço, mas peior he ter amo.
It is bad to have a servant, but worse to have a master.

نوکری داشتن بد است، اما
سروری داشتن از آن بدتر.

Melhor he a gallinha da minha visinha, que a minha.
Better is my neighbour's hen than mine.

مرغ همسایه‌ام از مال خودم خوب‌تر است.

Melhor he curar goteira, que casa inteira.
Better repair the gutter than the whole house.

بی‌گمان تعمیر تنها ناودان
بهتر از تعمیر کل خانه است.

Melhor he dar a ruins, que pedir a bons.
Better have to give than have to beg.

این که ناچار شوی بذل و عطایی بکنی
به که ناچار شوی تا که گدایی بکنی.

Melhor he dobrar, que quebrar.
Better bend than break.

خم شدن بهتر از شکستن ماست.

Melhor he o meu, que o nosso.
Better mine than ours.

به که مال من بُود تا مال ما.

Melhor he palha, que nada.
Better straw, than nothing.

برگ کاه از هیچ‌چیزی بهتر است.

Minha arca cerrada, minha alma sã.
My chest locked, my soul safe.

در صندوقم و یک قفل گران
روح من هست کنون امن و امان.

Molher palreira diz de todos, e todos della.

A gossiping woman talks of everybody, and everybody of her.

خاله‌زنک از همه غیبت کند
نیز همه غیبت او می‌کنند.

Molher, vento, e ventura asinha se muda.

Woman, wind, and luck soon change.

باد و اقبال و زنان زود دگرگون گردند.

Molle molle, se vai longe.

Fair and softly goes far.

به نرمی و سلانه‌سلانه تا دوردستان روند.

Morder a quem morde.

Bite the biter.

گازگیرنده را تو گاز بگیر.

Mudar costume, parelha da morte.

To change one's habits smacks of death.

ترک عادت‌های آدم سیلی مرگ‌آوری است.

Muda-te, mudar-se-te-ha a fortuna.

Change yourself, and fortune will change with you.

خودت را عوض کن که اقبال تو
عوض می‌شود همرهت نو به نو.

Muita palha, e pouco graõ.

Much straw and little corn.

کاه بسیار و دانهٔ اندک.

Muito fallar, pouco saber.

Much chatter, little wit.

زرزر بسیار و عقل اندکی.

Muito folga o lobo com o couce da ovelha.

The wolf is well pleased with the kick of a sheep.

گرگ از لگد میش خوشش می‌آید.

Muito pòde o gallo no seu poleiro.

Every cock is valiant on his own dunghill.

هر خروسی روی تل فضله‌اش پرجرئت است.

Muito prometter he sinal de pouco dar.

To promise much means giving little.

معنی بسیاریِ وعده وفایی اندک است.

Muitos beijaõ a maõ, que quizeraõ ver cortada.

Many kiss the hand they would gladly see cut off.

بسا آنان که دستی را ببوسند
که روز قطع آن را می‌بیوسند.

Na agoa envolta pesca o pescador.

The fisherman fishes in troubled water.

توی آن آبی که ناآرام بود
مرد ماهیگیر خوش صیدی نمود.

Na barba do nescio aprendem todos a rapar.

On the fool's beard all learn to shave.

هرکه روی ریش خنگی کس‌ببو
شیوهٔ اصلاح ریش آموزد او.

Nada duvida, quem naõ sabe.

He doubts nothing who knows nothing.

کسی که هیچ نداند به هیچ شک نکند.

Naõ diga a lingoa, por onde pague a cabeça.

Let not the tongue utter what the head may have to pay for.

زبان نگذار چیزی را عیان سازد
که سر باید بهایش را بپردازد.

Naõ digas mal do anno, até que naõ seja passado.

Speak not ill of the year-until it is past.

تا که یک سال به آخر نرسیده
تو نگو هیچ زمانی بد آن را
که از این سال کسی خیر ندیده.

Naõ fiar de caõ, que manqueja.
Trust not a dog that limps.

به آن سگی که بلنگد تو اعتماد نکن.

Naõ há dia sem tarde.
There is no day without a night.

هیچ روزی بدون یک شب نیست.

Naõ he nada, senaõ que mataõ a meu marido.
It is nothing, they are only killing my husband.

چیز خاصی نیست، بابا، بی خیال
مثل این‌که شوهرم را می‌کشند.

Naõ he o mel para a boca do asno.
Honey is not for the ass's mouth.

عسل برای دهان الاغ نیست.

Naõ he pobre, senaõ o que se tem por pobre.
No one is poor but he who thinks himself so.

نیست فردی که فقیر و بی‌نواست
غیر از آن فردی که پندارد گداست.

Naõ me apraz porta, que a muitas chaves faz.
Beware of a door that has many keys.

از در بسیارکلیده بترس.

Naõ sejais forneiro, se tendes a cabeça de manteiga.
Don't be a baker if your head is made of butter.

نانوا نشو وقتی که سری از کره داری.

Naõ se lembra a sogra, que foi nora.
The mother-in-law does not remember that she was once a daughter-in-law.

مادرِ شوهر فراموشش شده
یک‌زمان او هم عروسی بوده است.

Naõ se pode viver sem amigos.
There's no living without friends.

زندگی بی‌دوستان ناممکن است.

Naõ tem nada, quem nada lhe basta.
He has nothing, for whom nothing is enough.

طفلکی هیچ ندارد که همین هیچ برایش کافی است.

Naõ tem que comer, assenta-se a mesa.
I have nothing for dinner, sit down to table.

برای شام من چیزی ندارم
بیا بنشین سر سفره کنارم.

Nasce na horta o que naõ semea o hortelaõ.
More grows in a garden than the gardener sows there.

بیش از آنی که باغبان کِشته
داخل باغ چیز می‌روید.

Na terra dos cegos, o torto he rei.
The one-eyed is a king in the land of the blind.

آدم یک‌چشم شاه سرزمین کورهاست.

Necio he quem cuida, que outro naõ cuida.
He is a fool who thinks that others do not think.

او یک انسان مشنگ است که می‌اندیشد
به‌جز او هیچ کسی هیچ نمی‌اندیشد.

Nem barbeiro mudo, nem cantor surdo.
Neither a dumb barber nor a deaf singer.

نه یک سلمانی لال و نه یک آوازه‌خوان کر.

Nem com cada mal ao medico, nem com cada trampa ao letrado.
Go not with every ailment to the doctor, nor with every plaint to the lawyer.

پیش پزشک تو نرو با هر کسالتی
پیش وکیل هم نرو با هر شکایتی.

Nem estopa com tiçoens, nem molher com varoens.
Trust not tow with firebrands, nor a woman with men.

بر دو چیز اصلاً نباید کرد اطمینان
نه به الیاف کتان و اخگر سوزان
نه به یک زن در کنار دسته‌ای مردان.

Nem tanto puxar, que se quebre a corda.
Don't pull hard enough to break the rope.

آن‌قدَر محکم نکش تا ریسمان پاره شود.

Nem todos os que vaõ à guerra, saõ soldados.
All are not soldiers who go to the wars.

هرکه در جبههٔ جنگی باشد
نتوان گفت که یک سرباز است.

Nem tudo o que he verdade, se diz.
Not all that is true is to be spoken.

هر حقیقت را نباید بر زبان جاری نمود.

Nem tudo o que luz he ouro.
All is not gold that glitters.

هر درخشنده‌ای طلا نبُود.

Ninguem he bom juiz em causa propria.
No one is a good judge in his own cause.

هیچ فردی قاضی خوبی برای خویش نیست.

Ninguem se contenta com sua sórte.
No one is content with his lot.

هیچ‌کس نیست که از قرعهٔ بخت
راضی راضی راضی باشد.

Ninguem se metta no que naõ sabe.
Meddle not in what you don't understand.

توی چیزی که نمی‌فهمی که چیست
خویشتن را بی‌خودی قاطی نکن.

Ninguem sempre acerta.
No one is always right.

هیچ فردی همیشه برحق نیست.

Nos trabalhos se vem os amigos.
Friends are known in adversity.

دوستان را در زمان بدبیاری می‌شناسند.

Nunca de má arvore bom fruto.
Good fruit never comes from a bad tree.

هیچ هنگامی از درختی بد
میوه‌ای خوب درنمی‌آید.

Nunca falta hum caõ, que vos ladre.
There is never wanting a dog to bark at you.

هیچ لنگ سگی نمی‌مانیم
که به سوی تو واغ‌واغ کند.

Nunca foi bom amigo, quem por pouco quebron a amizade.
He never was a friend who ceased to be so for a slight cause.

مطلقاً دوست نبوده آن فرد
کز سر عذر و دلیلی واهی
رشتهٔ دوستی‌اش را شل کرد.

Nunca lobo mata outro.
One wolf does not kill another.

گرگ گرگ دگری را نکشد.

Nunca se matou ouriço cacheiro às punhadas.
Hedgehogs are not to be killed with the fist.

خارپشتی را نمی‌باید به ضرب مشت کشت.

O amor, e a fé, nas obras se vé.
Love and faith are seen in works.

عشق و ایمان هر دو از رفتار انسان روشن‌اند.

O bom vinho naõ ha mester ramo.
Good wine needs no bush.

شراب خوب نیازی به عکس بوته ندارد. (از قدیم رسم بوده که بر سردر میکده‌ها و روی بطری‌های شراب نقش بوتهٔ پیچک می‌نگاشته‌اند. پیچک گیاه محبوب باکوس Bacchus خدای شراب یونانیان و رومیان باستان بوده است.)

Obra de commum, obra de nenhum.
What's everybody's work is nobody's work.

کار همه کار هیچ‌کس نیست.
(هم‌معنای این ضرب‌المثل ترکی است: آرواد ایکی اولاندا ائو سوپورولمه‌میش قالار.
زن دو تا باشه اگه تو خونه   خونه جارونشده می‌مونه.)

Obra feita dinheiro espera.

Work done expects money.

کار انجام‌شده چشم به راه پول است.

O buraco chama ao ladraõ.

The hole invites the thief.

دزد را رخنه فرا می‌خواند.

O caõ velho, quando ladra, dà conselho.

When the old dog barks, he gives counsel.

هر سگی پیر است پندی می‌دهد
چون بنای واغ‌واغی می‌نهد.

O caro he barato, e o barato he caro.

Dear is cheap, and cheap is dear.

گران ارزان و ارزان هم گران است.

O couce da egoa naõ faz mal ao potro.

The mare's kick does not harm the colt.

لگدی ز مادیانی
ابداً به کره‌اسبی
نرساند او زیانی.

Officio alheio custa dinheiro.

Another man's trade costs money.

حرفهٔ یک مرد دیگر خرج دارد.

O fim coroa a obra.

The end crowns the work.

پایان کار روی سرش تاج می‌نهد.

O homem he fogo, e a mulher estopa, vem o diabo, assopra.

Man is fire, woman is tow, and the devil comes and blows.

مرد است چو آتش و زن الیاف کتان
سرمی‌رسد و می‌دمد ابلیس بر آن.

O hospede, e o peixe a os tres dias fede.

A guest and a fish stink in three days.

میهمان و ماهی‌ای بعد از سه روز
هر دوتاشان بوی گندی می‌دهند.

O ladraõ cuida que todos taes saõ.

The thief thinks that all are like himself.

دزد پندارد همه همچون وی‌اند.

O ladraõ da agulha ao ouro, e do ouro à forca.

The thief proceeds from a needle to gold, and from gold to the gallows.

دزد در سیر و سلوکش رهسپار
می‌شود از سوزنی سوی طلا
وز طلا هم جانب سکوی دار.

O lobo perde os dentes, mas naõ o costume.

The wolf loses his teeth, but not his inclination.

دندان گرگ افتد و امیال او به‌جاست.

O mal, que naõ tem cura, he loucura.

The malady that is most incurable is folly.

بدترین نوع درد بی‌درمان
هست حمق و بلاهت انسان.

O marido antes com hum só olho, que com hum filho.

Rather a husband with one eye than with one son.

شوهر یک‌چشم از آن شوهری
کو پسری داشته باشد سر است.

Onde a gallinha tem os ovos, là se lhe vaõ os olhos.

The hen's eyes turn to where she has her eggs.

هرکجایی تخم‌های اوست
چشم‌های مرغ هم آن‌سوست.

Onde entra o beber, sahe o saber.

When the wine is in, the wit is out.

باده وقتی که داخل خون است
عقل و هوش و حواس بیرون است.

Onde está o gallo, naõ canta a gallinha.
Where the cock is the hen does not crow.

جایی که خروس باشد آن‌جا
قوقولی مرغ را چه معنا؟

Onde fogo naõ ha, fumo naõ se levanta.
Where there is no fire, no smoke rises.

هرکجا آتش نباشد در میان
هیچ دودی برنمی‌خیزد از آن.

Onde força naõ ha, direito se perde.
Where there's no might there's no right.

هرکجا زوری نباشد هیچ حقی نیز نیست.

Onde ha amigos, ha riquezas.
Where friends, there riches.

هرکجا جمع دوستان برپاست
ثروت و مایه‌تیله در آن‌جاست.

Onde ha muito riso, ha pouco siso.
Much laughter, little wit.

خندهٔ بسیار و عقل اندکی.

Onde naõ ha honra, naõ ha deshonra.
Where there is no honour there is no dishonour.

هرکجایی افتخاری نیست، ننگی نیز نیست.

Onde o lobo acha hum cordeiro, busca outro.
Where the wolf picks up one sheep he looks for another.

گرگ در هر جا در آن یک گوسفند آرد به دست
در همان‌جا در پی یک گوسفند دیگر است.

Onde vai mas fundo o rio, ahi faz menos ruido.
Where the river is deepest it makes least noise.

رود در هر جا که باشد ژرف‌تر
می‌شود ساکت‌تر و کم‌حرف‌تر.

O olho do amo engorda o cavallo.
The master's eye makes the horse fat.

چشم ارباب اسب را فربه کند.

O parvo, se he callado, por sabio he reputado.
The fool passes for wise if he is silent.

چنانچه کس‌خلی ساکت بماند
طرف را هر کسی عاقل بداند.

O peior porco come a melhor lande.
The worst pig eats the best acorn.

بدترین خوک روزی‌اش اغلب
بهترین دانهٔ بلوط بُود.

O perro com raiva a seu amo morde.
The mad dog bites its master.

سگی که هار باشد صاحبش را گاز می‌گیرد.

O que faz o doudo á derradeira, faz o sesudo à primeira.
What the fool does at last the wise man does at first.

آنچه را بی‌عقل در پایان کند
آدم عاقل در آغاز آن کند.

O que he duro de passar, he doce de lembrar.
What was hard to bear is sweet to remember.

تحمل کردنش گر بوده سنگین
به یاد آوردن آن هست شیرین.

O que naõ pòde al ser, deves soffrer.
What can't be cured must be endured.

آنچه درمان‌ناپذیر است
صبر بر آن ناگزیر است.

O sacco do genro nunca he cheio.
The son-in-law's sack is never full.

کیسهٔ داماد حاشا پر شود.

Os erros dos medicos a terra os cobre.

The blunders of physicians are covered by the earth.

اشتباهات پزشکان را زمین پنهان کند.

O sisudo naõ ata o saber á estaca.

The man of sense does not hang up his knowledge.

دانش خود را چو عاقل بود مرد
روی یک قلاب آویزان نکرد.

Os mortos aos vivos abrem os olhos.

The dead open the eyes of the living.

چشم‌های زندگان را مردگان وا می‌کنند.

O tramposo asinha engana ao cobiçoso.

The swindler readily cheats the covetous man.

مرد شیاد تواند که سریع و راحت
بر سر مرد طمعکار کله بگذارد.

Ouro he o que ouro vale.

That is gold which is worth gold.

هر چیزی اگر نرخ طلا داشت طلاست.

Ovelha, que berra, bocado perde.

The sheep that bleats loses a mouthful.

لقمه‌ای این وسط ضرر کرده
گوسفندی که وقت صرف غذا
از خودش بع‌بعی درآورده.

O ventre em jejum naõ ouve a nenhum.

A hungry belly hears nobody.

شکمی که گرسنه‌اش باشد
گوش بر حرف هیچ‌کس ندهد.

Paga o que deves, sararàs do mal que tens.

Pay what you owe, you will get well of your malady.

تو دین خودت را به مردم ادا کن
خودت را از آزار و ماتم رها کن.

Palavras naõ enchem barriga.
Words don't fill the belly.

واژه‌ها حاشا شکم را پر کنند.

Panella que muito ferve, o sabor perde.
The pot that boils too much loses its flavour.

دیگی که زیاد جوش خورده‌ست
عطرش همه رفته است از دست.

Paõ alheio caro custa.
Another's bread costs dear.

همیشه نان دیگری گران تمام می‌شود.

Paõ comido, companhia desfeita.
The bread eaten, the company departs.

نان خورده که شد، جمع پراکنده شود.

Paz de cajado guerra he.
Peace with a cudgel in hand is war.

صلح با یک چماق اندر دست
هیچ شک نیست که خود جنگ است.

Peccado confessado, he meio perdoado.
A fault confessed is half forgiven.

تا به انجام خطایی اعتراف
می‌کنی، یک نیمش آمرزیده است.

Pedra movediça, naõ cria bolor.
A rolling stone gathers no moss.

سنگی که بغلتد خزه بر وی ننشیند.

Peleijaõ os ladrones, descobrem-se os furtos.
When thieves fall out, their knaveries come to light.

بین دزدان هر زمان دعوا شود
نابکاری‌هایشان پیدا شود.

Peleijaõ os touros, mal pelos ramos.
When bulls fight, woe to the frogs.

وای بر قورباغه‌ها، وقتی
نره‌گاوان به جنگ برخیزند.

Pobreza nunca em amores fez bom feito.
Poverty never sped well in love.

فقر هرگز در امور عشقی
نتوانسته به جایی برسد.

Pouco fel damna muito mel.
A little gall spoils much honey.

اندکی زرداب مقداری زیاد
از عسل را کلهم بر باد داد.

Preguiça, chave de pobreza.
Sloth is the key of poverty.

کلید تنگدستی کون‌گشادی است.

Principio querem as cousas.
Everything must have a beginning.

هرچه را می‌باید از یک نقطه‌ای آغاز کرد.

Prometter naõ he dar, mas a nescios contentar.
Promising is not giving, but serves to content fools.

وعده دادن گرچه دادن نیست، لیک
ابلهان را خوب راضی می‌کند.

Qual o pai, tal o filho.
Like father, like son.

پدر را ببین و پسر را شناس.

Quando em casa naõ está o gato, estende-se o rato.
When the cat's away the mice will play.

گربه وقتی که از این‌جا غایب است
موش‌ها مشغول بازی می‌شوند.

Que queira, que naõ queira, o asno ha de ir á feira.
Will he nill he, the ass must go to the fair.

خره میلش بکشه یا نکشه
لازمه راهی بازار بشه.

Quem pouco sabe, asinha o reza.
He who knows little soon blabs it.

هرکه اندک چیزکی می‌داند او
فوری آن را بر زبان می‌راند او.

Quem quer pescar, ha-se-de molhar.
He who would catch fish must not mind wetting himself.

هرکه را سودای ماهیگیری است
بی‌خیال تر شدن باید شود.

Quem te faz festa, naõ soendo fazer, ou te quer enganar, ou te há mister.
He who makes more of you than he is wont, either means to cheat you or wants you.

هر کسی از تو ستایش می‌کند
بیش‌تر زانی که عادت دارد او
یا به دنبال فریب توست یا
انتظار یک عنایت دارد او.

Quem tem boca, naõ diga ao outro, assopra.
Let not him that has a mouth ask another to blow.

نگذار کسی که خود دهانی دارد
از آدم دیگر طلب فوت کند.

Quem tem bom ninho, tem bom amigo.
He who has a good nest, finds good friends.

هر کسی را آشیانی خوب هست
دوستانی خوب می‌آرد به دست.

Queres que te siga o caõ, da-lhe paõ.
If you would have the dog follow you, give him bread.

اگر خواستی سگ به دنبال تو
بیاید، به او اندکی نان بده.

Raposa dormida, naõ lhe cahe nada da boca.
Nothing falls into the mouth of a sleeping fox.

توی حلق روبه خفته
مفتکی چیزی نمی‌افته.

Rogos de Rei mandados saõ.
King's entreaties are commands.

خواهش پادشاه فرمان است.

Roim seja, quem por roim se tem.
Vile let him be who deems himself vile.

رهایش کن که یک بیچاره ماند
هر آن‌کس خویش را بیچاره داند.

Sempre o alheio suspira por seu dono.
What is another's always sighs for its master.

آنچه در دست تو، اما مال فردی دیگر است
در فراق صاحب خود بی‌قرار و مضطر است.

Senta-te no teu lugar, naõ te faraó levantar.
Seat yourself in your place, and they will not make you rise.

سر جایت بنشین تا که کسی
نتواند که بلندت بکند.

Se queres a agoa limpa, tira-a da fonte viva.
If you want clear water, draw it from the spring.

آب پاکیزه اگر خواسته‌ای
از سرِ چشمه بیاور آن را.

Se queres ser bem servido, serve a ti mesmo.
If you want to be served, serve yourself.

گر بخواهی به تو خدمت بشود
خودت اول به خودت خدمت کن.

Se queres ser bom juiz, ouve o que cada hum diz.
If you would be a good judge, hear what every one says.

خواستی قاضی خوبی باشی
حرف‌های همگان را بشنو.

Serve a senhor, saberàs que he dor.

Serve a lord, and you will know what it is to be vexed.

یک تن از اشراف را خدمت نما
تا بفهمی معنی آزار را.

Se te fizeres mel, comer-te-haõ as moscas.

Make yourself honey, and the flies will eat you.

چو خود را انگبین کردی سراپا
تو را خواهند خورد از دم مگس‌ها.

Se tens physico teu amigo, manda-o a casa de teu inimigo.

If you have a friend who is a physician, send him to your enemy's house.

گر رفیق تو پزشکی باشد
خانهٔ دشمنت او را بفرست.

Tanta culpa tem o ladraõ como o consentidor.

The accomplice is as bad as the thief.

شریک جرم همان‌قدر ناکس است که دزد.

Tantos morrem dos cordeiros, como dos carneiros.

There die as many lambs as wethers.

در همان حد بره می‌میرد که قوچ.

Tanto val a cousa, quanto daõ por ella.

The worth of a thing is what it will bring.

قدر هر چیز به سودی است که با خویش آرد.

Taõ bom he Pedro como seu amo.

Pedro is as good as his master.

پدرو به همان خوبی ارباب خود است.

Tarde dar, e negar, estaõ a par.

To be slow in giving and to refuse, are alike.

کند بودن وقت دادن با جواب رد یکی است.

Vai-se o tempo, como o vento.

Time passes like the wind.

وقت مانند باد در گذر است.

Vento, e ventura, pouco dura.

Wind and fortune are not lasting.

باد و اقبال را دوامی نیست.

فهرست کتاب‌های منتشرشدهٔ مهدی احمدی

شعر

دیوان مهدی احمدی، کتاب اول: بوسه‌های یواشکی عسل‌اند (نشر الکترونیک: فروردین ۱۳۹۵)

دیوان مهدی احمدی، کتاب دوم: باده‌های بدنی (نشر الکترونیک: تیر ۱۳۹۵)

دیوان مهدی احمدی، کتاب سوم: پسربچه‌ها بچه خواهند ماند (نشر الکترونیک: بهمن ۱۳۹۶)

دیوان مهدی احمدی، کتاب چهارم: شعرهای اون‌جوری (نشر الکترونیک: اسفند ۱۳۹۷)

داستان

نناقا (نشر الکترونیک: تیر ۱۳۹۶)

ترجمه

ضرب‌المثل‌های طنز انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های طنز اروپایی (نشر الکترونیک: مرداد ۱۳۹۷)

فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های اسکاتلندی (نشر الکترونیک: شهریور ۱۳۹۷)

گلچین ضرب‌المثل‌های فرانسوی (نشر الکترونیک: فروردین ۱۳۹۸)

گلچین ضرب‌المثل‌های آلمانی (نشر الکترونیک: دی ۱۴۰۰)

گلچین ضرب‌المثل‌های اسپانیولی و پرتغالی (نشر الکترونیک: آبان ۱۴۰۲)

گلچین ضرب‌المثل‌های ایتالیایی، هلندی و دانمارکی (نشر الکترونیک: آبان ۱۴۰۲)

پژوهش

ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های طنز فارسی دربارهٔ زن، عشق و سکس؛ همراه با معادل‌ها و مشابه‌هایی از زبان‌های دیگر (نشر الکترونیک: دی ۱۴۰۰)

کتاب کودک

تنبل‌خان؛ نویسنده: رودیارد کیپلینگ؛ ترجمه و بازنویسی: مهدی احمدی (نشر الکترونیک: دی ۱۳۹۷)

این کتاب‌ها را می‌توانید از طریق وبلاگ shahbeyt.rozblog.com به طور رایگان دانلود کنید.